

اصلاحات قانون اساسی در کدام سو؟

برکناری آیت الله منتظری، تعجیل در اصلاح فوری قانون اساسی و زمینیه سازی بسرایی رئیس جمهور شدن رفسنجانی رویدادهائی است...

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

برکناری منتظری از مقام جانشینی خمینی

۲ ص

برکناری منتظری، جلوه‌ای از فروپاشی رژیم ولایت فقیه

برکناری منتظری را باید در شما رپرهامت ترین رویدادهای دوران حکومت ده ساله خمینی محسوب داشت...

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بمناسبت اول ماه مه (روز کارگر)

جنبش کارگری ایران در سال ۱۳۶۷

شعارها و فراخوانهای روز کارگر

به یاد رزم‌آوران سنگر خونین کار

ثانیا - در چنین رژیمی اگر ولی فقیه نتواند همه را مورا تحت کنترل بگیرد، به علت وجود نهادها...

شرکت هیات نمایندگی سازمان در کنگره ح.ک ایتالیا

در هیجدهمین کنگره حزب کمونیست ایتالیا بیش از ۱۰۰۰ نماینده از سراسر کشور شرکت داشتند...

به یاد رفیق جزئی و همزمان

۱۰ ص

مسئولیت بیشتر در قبال سیر نوسازی

آیا یاکوف دیور ح.ک.ا.ش ۷ ص

یادنامه رفقای شهید علیرضا کبانی و سهیلا درویش

۱۲ ص

نایبیا در راه دشوار استقلال

۱۱ ص

شکست نوظنه اشغال جلال‌آباد

۱۱ ص

ناآرامی در گرجستان شوروی

۸ ص

دیدار سران شوروی و بریتانیا

۱۱ ص

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

برکناری منتظری از مقام جانشینی خمینی

هم‌میهنان عزیز!

مطابق گزارش رسمی خبرگزاری اسلامی، آقای منتظری از مقام جانشینی خمینی به عنوان ولی فقیه استعفا داده است. نظریه اهلیت این واقعه در واقع حاکم بر کشور و آیدهای آن کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نظروا رویای خود را دربارۀ آن اعلام دادند، توجه همگان را به حساسیت وضع سیاسی پدید آمده جلب می کند.

اکنون روند تحول واقع به گونه ای که پیش بینی می شد، در سمتی تحول یافته است که خمینی، آیت الله منتظری، یعنی کسی را که حاصل عمر خود، می نامید، به گونه ای امانت بار طرد کرده است. انتقام جویی کینه توزانه خمینی از "پارهن خود" قبیل از همه نشانۀ جدت قدرت در رژیم است بنیاد خمینی است. حکم برکناری منتظری که به دروغ آن را به صورت "استعفا" آرایش داده اند، قبیل از همه ضربه سنگینی است بر شخص خمینی و بر ارکان رژیم پیوسته ولایت فقیه. همه چیز حکایت از آن دارد که بساط رژیم ولایت فقیه از فروپاشی شدن در آستان نیست. با عزل منتظری، که شانس بزرگ رژیم برای ولایت خمینی نبود، بی آینده بودن رژیم ولایت فقیه نمایان تر شد. این جا مژده دیگری بود که خمینی سرکشید. هم‌میهنسان!

وقتی نزدیک به سه سال پیش برخاستی از نزدیکان آقای منتظری به خاطر افشای اسرارزد و بندپنهایی سران رژیم با آمریکا، به دستور شخصی خمینی با زدنش نه و زور شکنجه بر روی مقصد تلویزیون آورده شدند، یک هدف عمده به طور مشخص متوجهی اعتباری و نفی صلاحیت منتظری به عنوان جانشین خمینی بود. در آن زمان آیت الله منتظری را نیز با زدنش نه و زور شکنجه "مقام" می خواهد متکین کند، اما علیرغم اینها، تعدادها نهنهها میارشد، بلکه جدیدتیشتری یا نیست. امروز هم خطای فاحشی است هرگاه تصور شود برکناری تحقیر آمیز منتظری می تواند آرامش را به صفوف درجه دوم بیاورد. رژیم با زدنش نه و زور شکنجه نشانۀ خود داد، که علیرغم هرواکنش منتظری، مخالفت و اعتراض علیه سران قدرتمند

اصلاحات قانون اساسی... بقیه از صفحه اول هواداران رژیم همروشنی است، همان نوشته را به عنوان "قانون اساسی به خورد مردم دادند" شیوه تندی و تصویب اعلام شده اصلاحات قانون اساسی خود و با چنین شکل ممکن همروشنی در هم شکسته و به مدت طولانی و مضطرب سران رژیم و هم اهداف استبدادی و ضددمکراتیک آنان را به نمایش گذاشته است.

امروز با بدقت از هر چیز نیات بنیادی و تلاش های هیات حاکمه را به دقت بازشناخت. بنا به ارزیابی های ما: تمام تلاش های سران قدرتمند رژیم متوجه آن است که حکومت در اختیار خودند. باقی بماند و جهت اسلام های که یک نایب هم نشرد و مستعد به یکدیگر را تشکیل می دهند، همچنان املی ترین مواضع قدرت را در دست داشته باشند. آنها به هیچ حزب و دسته جناح و محفل و شخصیت سیاسی غیر منتظری (خارج از هر که روحانیت) اعتماد ندارند و نمی خواهند آنان را در قدرت انحصاری خود شریک کنند.

تلاش های تمام سران رژیم متضمن آن است که رژیم حاکم بر ایران همچنان یک رژیم استبدادی و سرکوبگری باقی بماند. هیات حاکمه موجود حاضر نیست حق تشکیل و فعالیت آزادانه احزاب و سازمان های سیاسی را بپذیرد و بپذیرد که حکومت از طریق برگزاری انتخابات و بر اساس رای و انتخاب آزادانه مردم تعیین شود.

هیچ نشانه ای یا برهانی وجود ندارد که در روندهای جاری ویران کننده قابل پیش بینی، حکومت موجود در دستای فوق استحاله یا بدوی است استحاله پذیر باشد. همه چیز حاکی از آن است که تمام متکرر ها و تداوم رژیم متوجه آن است که مسأله خارج از اراده و کنترل وی و وضعیت بی وجود رژیم نتوانند از "حکومت استبدادی روحانیت" دفاع کنند. لذا برای دفاع و مورش موجودیت "حکومت استبدادی آخوندی" قطعاً لازم است تغییرات معینستی در ساختار ترکیب حکومت موجود صورت گیرد. هدف اساسی سران رژیم سرکوب منتظری، اصلاحات قانون اساسی و علم کردن رفسنجانی نیز مشخصاً تا مین همین مقصود است.

پس از تشییع رژیم ولایت فقیه تا مسسروز، حکومت همچنان یک حکومت مطلقه آخوندی بوده است و اکنون نیز سران رژیم به هیچ وجه قصد دارند که

رژیم در ارگان های مختلف آن، از جمله در صفوف قشون رژیم ادا مویکترش خواهد یافت. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) توجه همگان را به این واقعیت جلب می کند که فضا و طرد منتظری شوغ خمینی با طرد سایر جرایم های اسلامی لیبرال یا رادیکالی که در اوایل انقلاب در حکومت و پیرامون آن حضور داشتند به هیچ وجه قابل مقایسه نیست. خمینی خود می گوید منتظری پارهن است، در حالی که دیگران از اول هم با وی نبوده اند. با توجه به نارضایتی و نفرت عمیق مردم از رژیم و با توجه به بیم و نگرانی بسیاری از میان رژیم امروزم، خمینی به هیچ وجه قادر نخواهد شد تا طرد منتظری بر آنچه که جمهوری اسلامی را از سر تا عمق شکافته است غلبه کند. چشم نداشتن زونیا برای آینده درگیری های درون رژیم ذهن با نین و جا میسان آن را پریشان ساخته است. هم اکنون تلاش های تازه ای برای سر هم بندی شورای ولایت آغاز شده است. اما همه چیز نشان می دهد که اینگونه نتایج تداوم بریز، تازه چنانچه بتوانند بگیری شود، در چینه رتنش ای داخلی رژیم و بر ضربات مسردم سرنوشتی بهتر از نداشتن برفیلی برای حفظ تسد او و رژیم ولایت فقیه نخواهد داشت.

هم‌میهنان عزیز!

آقای منتظری در این اواخر علیه اعدا های خود را به موقع گرفته است. او همچنین اعلام کرده است: "انقلاب در اصول و اهداف خود موفق نبوده است" و سازمان ما این موضع نیست که هر خود مثبت ارزی می کرد. تردیدی نیست که برخی اشارات آیت الله منتظری بر برخی اختلافات با سران قدرتمند رژیم، به ویژه شخص خمینی، موجب وادار کردن او به استعفا بوده است. امری که به اعتقاد ما مهم ترین واقعه زندگی سیاسی او است. اما از آنجا که این اختلافات همچنان در چارچوب حفظ رژیم و پذیرش ولایت فقیه است، مردم به حق با اعدای آن خود را بیگانه نمی یابند. مردم با همه اعدا دشمنان و قریبانی سرکوب رژیم گشته از اطرافیان منتظری نیز در میان آنان بوده اند، همدردی احساس می کنند. اما تجربه به آنست آموخته است که گمانی، که به هر تقدیر از ولایت فقیه یا هر نوع رژیم استبدادی دیگر حمایت می کنند، را از آن خود نداشتند.

طرفداران هر نوع حکومت استبدادی که حق حاکمیت مردم آزادی همه نیروهای سیاسی کشور

تغییری در اساس آن پیدا آوردند، منتها تاکنون "حکومت استبدادی روحانیون" به همان شکلی ادا ره می شد که قبیل خمینی آن را در کتاب ولایت فقیه خود "تئوریزه" کرده بود. در چنین طرخی یک "فقیه جامع الشرائط" که حق "اجتناب" دارد و از بقیه روحانیون، به اصطلاح "علم" تر و نیز "حائز شرایط رهبری" است، در رأس حکومت ملایان قرار داشته و تمام قدرت در دست شخص او متمرکز می شود. خمینی از نظر خود و پیروانش چنین شخصی به شمار می آید، اکنون سلطنت است که در حکومت یک جریان قدرتمند وجود دارد که این شکل از حکومت مطلقه آخوندی را بعد از خمینی "غیر عملی" و "بسیار نا مطلوب" می بیند و می خواهد قدرت واقعی ندر دست یک آخوند مجتهد و "جامع الشرائط" بگذرد. دست یک "آخوند سیماسمدار و دولتمرد" متمرکز شود. در این فکر، برخلاف طرح خمینی از ولایت فقیه، در یک سلسله مقامات حکومتی با همان سلسله مراتب آخوندی منطبق نیست. بلکه مقامات اصلی حکومتی میان ملایانی که اساساً سیاستمدار و دولت مردند، تقسیم می شود.

اکنون، بر اساس سمت گیری سران رژیم، کاملاً قابل پیش بینی است که قانون اساسی به "حکومت استبدادی روحانیون" تبدیل خواهد شد. در این "مجتهد جامع الشرائط" که تا پیش از این "ولی فقیه" گذاشته اند، به رئیس جمهور گشته در قانون فعلی رسماً زاید کاره ای نیست، محول شود مقام ولی فقیه نیز احتمالاً به "شورای فقیه" منتقل گردد. شورایی که عملاً به گونه ای "انتخاب" می شود که مطیع سران حکومت به ویژه رئیس جمهور پس از خمینی باشد. وجه دیگر طرح آن این است که اختیارات رئیس دولت و رئیس قوه قضائیه در قبایل ریاست قوه مجریه محدود و محدود تر شود. سران رژیم در این فکر هستند که کنترل مجلس بر سیاست جاری کشور کاهش یابد و نقش آن تضعیف شود. حتی صحت های شنیده می شود که پست نخست وزیری اساساً حذف و اختیارات آن به رئیس جمهور منتقل گردد.

سمت کلی تغییراتی که رفسنجانی و دار و دسته او می یابند در ساختار حکومتی پدید آمده در عمل هم چنانکه تا حد ممکن زمینه آن را فراهم ساخته اند، آن است که بسیاری از خمینی، رئیس جمهور (که او آن را برای خود در نظر گرفته) بر سر نهادن حکومتی از جمله بر "نهادهای" بر "مجلس شورای اسلامی، بر "شورای عالی قضایی" و طبعاً بر "هیات دولت" و به "نیروهای مسلح" سلطه خود را تا مین کند و قوه

را تضمین نمی کنند، عملاً در اتحاد وسیع مردم ایران جایی ندارند. فدائیان خلق امروز و نیز زمانی که توسط مردم برای اداره کشور برگزیده شوند، از حق همه احزاب قطع نظر از عقاید آنان برای فعالیت سیاسی و جلب رای آزادانه مردم تا به آخر حمایت و پاسداری خواهند کرد.

دمکراسی برای ایران یک شعار روبیک وسیله نیست. دمکراسی آرمان والایی است که طی یک قرن اخیر مضمون و هدف عمده مبارزات مردم متوجه تحقق آن بوده است. بنا به اعتقاد ما و بنا به عزم قاطع شما مردم شرافتمند ایران بیگانه تاریخی در راه استقرار دمکراسی در ایران تا پایان آدامه نخواهد بود و قطعاً نیز زمانی که مردم جزو حکومت ایران بر مقتدرات خویش حاکم شوند، به پیروزی کامل دست خواهند یافت.

فدائیان خلق امروز با ردیگر همه کسانی را که در حکومت و پیرامون آن تیغ سرکوب و استبداد را بالای سر خود احساس می کنند، فراموش خواهند بخش نیرومندی که در کشور ما در راه دمکراسی وضع می کنند، بیرون بدهند. پیروزی فقط از آن این جنبش است. طلابی که از سرکوب خود به دست سران رژیم بیگانه کند، با ید به جای شیخ فضل الله نوری ها و خمینی ها زندگی شیخ محمد خیا بانی ها و طالقانی ها را سرمشق قرار دهند. نخستین شرط با یدینی به مردم بوده اهداف عالیه انقلاب بهمین رو بر تافتن از ولایت فقیه و مبارزه در راه حاکمیت مردم است.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همه سازمان ها، احزاب، جمعیت ها، شخصیت های دمکرات طبع طلب و میهن دوست ایران را به اتحاد علیه رژیم خمینی و در راه دمکراسی و صلح با اتحاد در ایران فرا می خواند. بگذار اتحاد ما مانع از آن گردد که رژیم منفور ولایت فقیه، که دستخوش خادترین بحران های درونی است، با ردیگریا تحکیم سلطه خود بر کشور، تحقق آرزوهای دیرین خلق های ایران بسیاری برپا یابد. دمکراسی در میهن ما ایران را به خرابی نداد.

زنده باد صلح، زنده باد آزادی مرگ بر رژیم ولایت فقیه

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) شنبه ۱۲ فروردین ۱۳۶۸

جریه سا بر قواد جمهوری اسلامی را عملاً وحتسی قانوناً تحت کنترل و سطره خود بگیرد. نظر سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در باره این تحولات چیست؟ از آنجا که سمت این تغییرات در جهت لغو استبداد و حتی تضعیف آن هم نیست، لذا طبعاً نمی توان مورد تأیید و یا استقبال هیچ یک از نیروهای ترقی خواه کشور، که همه خواهان استقرار دمکراسی در کشورند، قرار گیرد. علاوه بر این، باید گفت تغییرات در ساختار دولتی رژیم حاکم نیز علیرغم این که عملاً تمرکز قدرت را از چنگ یک به اصطلاح "مجتهد جامع الشرائط" خارج می کند و از این نظر ظاهر در جهت مخالفت با رژیم ولایت فقیه است گیری می کند، اما از نظر تاریخی که عملاً برای آن در نظر گرفته شده، استمرار خلعت ضمد دمکراتیک ساختار رژیم را، در صورت تازه خود، بر ملا می سازد. از این رو ما:

اولاً خواهان استقرار حکومتی هستیم که بر اساس رای آزادانه مردم و بر تافتن آزادانه همه احزاب سیاسی کشور تشکیل گردد. ثانیاً - ما خواهان استقرار حکومتی هستیم که در آن مجمع نمایندگان منتخب مردم (مجلس شورای ملی) عالی ترین نهاد قدرت باشد و بتواند تمام امور کشور را در دست کنترل کند. ما مخالف آن نظام حکومتی هستیم که در آن قوه مجریه مستقل از سایر قوا یا بدلتوما وجود داشته باشد، در مقابل مجلس مسئول نباشد و یا قدرت آن ناشی از نهاد دیگری جز مجلس باشد. باید علیه تمرکز قدرت حکومتی در دست یک فرد تا به آخر مبارزه کرد. حال می خواهد این یک فرد شاه باشد، یا ولی فقیه باشد، یا رئیس جمهور باشد. به خصوص بر اساس تشخیصی و بیژگی های کشور ما ایران، به ویژه این که نسبت به دمکراسی در آن ضعیف است، ما تا به آخر طرفدار نظامی هستیم که اولاً مسئولان اصلی قوه مجریه توسط مجلس تعیین شوند و تحت کنترل و هدایت آن قرار داشته باشند.

ثالثاً - اختیارات حکومتی به هیچ وجه در دست افراد متمرکز نشود و مجلس عالی ترین نهاد قدرت باشد. شرایط ایران با مثلاً فرانسه که در آن احزاب سیاسی و سازمان های توده ای بسیار ریشه دار و نیرومندند بسیار متفاوت است. برای کشور ما ۲۵۰۰ سال از استبداد سلطنتی برنج برده و اکنون ۱۰ سال است از استبداد آخوندی در بقیه در صفحه ۳



اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بمناسبت اول ماه مه (روز کارگر)

کارگران و زحمتکشان ایران! کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با گرم‌ترین درودها، روزگارگر روز همبستگی جهانی زحمتکشان را به شما زحمتکشان پیگیران آزادی، استقلال، صلح و سوسیالیسم، شادباش می‌گوید.

اول ماه مه تحلی گره همبستگی رزمجویان نه محرومان زمین در پیگیران علیه همه مظاهر محرومیت، علیه استثمار و استثمار، تبعیض و نابرابری، فقر و گرسنگی، جهل و تاریک اندیشی و استعمار و نژادپرستی است. درفش اول ماه مه را که از حرکت پیش زنده ادوی کار، امواج است، در اهتزاز نگه دارید و سونت گرانقدر همبستگی لینن لمللی رنجبران را و فادانها پس بداریم.

در چنان سوسیالیسم، امروز کارگران و تمامی خلق، آرمان اول ماه مه را با زشتانی و به کارگیری ظرفیت های درونی سوسیالیسم و تلاش در راه نوسازی و تعمیق دمکراسی سوسیالیستی، پاس می‌دارند. اول ماه مه در چنان سوسیالیسم، جلوه‌گاه گسترده ترین و شمر بخش ترین همبستگی ها برای سوسیالیسم بیشتر است.

در نیای سرما یعداری، دهها میلیون کارگر و زحمتکش، تحت رهبری احزاب چپ و اتحادیه‌های کارگری، با تجدید میثاق در مبارزه با خفق و طغیان، دمکراسی و سوسیالیسم، آرمان اول ماه مه را گرامی می‌دارند.

در میهن ما ایران نیز، علیرغم سیطره استبداد مذهبی، پرچم اول ماه مه، به نشانه ایستادگی و نبرد شما زحمتکشان در برابر بریدنداد و بهره‌کشی، و جهل و تاریک اندیشی، همچنان در اهتزاز است.

کارگران و زحمتکشان!

اول ماه مه سال در شرایطی برگزیده می‌شود که نارضانی‌ها با رنجگ شنت ساله ایران و عراق، با تمام شکل خود بر زندگی تان فشار می‌ورد. بیگاری وسیع، گرانی کمربند و دیگر مظاهر بحران عمیق اقتصادی رژیم، همچنان و بیش از همه بردوش زحمتکشان سنگینی می‌کند. رژیم خمینی علیرغم قطع ناگزیر جنگ، از رفیع حالت بسیج جنگی در کشور امتناع کرده و با گرفتاری کردن جامعه در شرایط برخی "نه جنگ، نه صلح"، دست یابی به صلح یا پیدا روبا سازی اقتصادی کشور را مختل کرده است. برای پایان دادن به شرایط "نه جنگ نه صلح" و استقرار صلح یا پیدا روبا سازی، رژیم تبهکار خمینی پس از پذیرش ناگزیر صلح در تاریخ ۲۷، بلافاصله جنگ دیگری را علیه مردم تدارک دید و فاجعه‌هایی دیگری را با کشتار زندانیان سیاسی کشور پدید آورد. حدها تنگ از پیگیرترین زحمتکشان را آزادی و سپه‌روزی مردم، شما رکنشوری از برسته ترین نمایندگان و رهبران طبقه کارگر و فداکاران بر سر باقی جنبش سندیگایی کشور ایران در زندان های جمهوری اسلامی تیرباران شدند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به خاطر بهر فرورق رفقای شهید، کارگران قهرمان، بندهای سرباپور، عباس جعفری، توفیق وثوقی، سهیلا درویش کهن، علی انصاری غمی، حسین جیش کارگری ایران...

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به خاطر بهر فرورق رفقای شهید، کارگران قهرمان، بندهای سرباپور، عباس جعفری، توفیق وثوقی، سهیلا درویش کهن، علی انصاری غمی، حسین جیش کارگری ایران...

قاسم نژاد و دیگر کارگران شهید درود می‌فرستد. بی شک با یاری غرور انگیز و قهرمانانه آنان الهام بخش همه زحمتکشانی خواهد بود که در راه آرمان های طبقه کارگر و سپه‌روزی بشریت پیگیر می‌کنند.

کارگران مبارز! رژیم خمینی، رژیم ترور و اختناق، رژیم سرکوبگری آزادی های سیاسی و سندیگایی و پامال کننده ابتدایی ترین حقوق دمکراتیک مردم میهن ما است. ترور و اختناق، شکنجه و اعدام، سرکوب سازمان های سیاسی، انحلال سندیگای ها و شوراهای سازماندهی و مطبوعات، تفتیش عقاید، ترویج خرافه و جهل، تبعیض و تمحیلات ارتجاعی علیه زنان، اقلیت های ملی و مذهبی و کشتار خلق های تحت ستم سیاسی از دهسال تبهکاری این رژیم آزادی کش و مردم ستیز است.

شما کارگران آماج مقدم سرکوبگری رژیم و ذینفع ترین نیرو در مبارزه علیه ولایت فقیه هستید. علیه سرکوب و اختناق، علیه خدگامگی رژیم خونریزی، به خاطر تان من آزادی های سیاسی و سندیگایی مبارزه کنید. برای آزادی بیگانگان، آزادی مطبوعات، آزادی اجتماعات، و دیگر آزادی های فردی و اجتماعی، برای حق اعتصاب و حق ایجاد دویا عضویت در شکل های سیاسی و دمکراتیک، متحد شوید و مبارزه کنید.

کارگران مبارز! قانون کار مصوب مجلس علیرغم پذیرش بخشی از حقوق صنفی - رفاهی کارگران، برخی از اساسی ترین حقوق صنفی و سیاسی از قبیل حق کار و امنیت شغلی، حق ایجاد آزادانه شکل های صنفی مستقل و حق اعتصاب را پامال کرده است.

ماده ۲۷ این قانون، ممانعت از کارگران طلب کرده است و دست کارفرما را در اخراج کارگران با زکده شده است. همچنانکه برای لغو ماده ۳۳ قانون کار راه به با خاستید، برای لغو این ماده و پایان دادن به اخراج های خودسرانه نیز مشکل خود مبادا رزگ کنید.

رژیم خمینی، شما را از حق انتخاب آزادانه نمایندگانی واقعی خود محروم کرده و پس از سرکوب و انحلال سندیگای ها و شوراهای تان، تلاش کرده است قانون ارتجاعی شورا های اسلامی کار را هموار با انتخاباتی فرمایشی بر شما تحمیل کند. علیه ممانعت از خله دولت و کارفرمایان در انتخاب نمایندگان کارگری مبارزه کنید. قانون کار را بد حق شما را در تشکیل آزادانه شکل های صنفی و دمکراتیک بدرسمیت بشناسد.

قانون کار مصوب مجلس، همچنین شما را از حق اعتصاب محروم کرده و در مقابل، دست دولت و کارفرمایان را رسماً و عملاً در سرکوب اعتصاب باز گذاشته است. قانون کار باید حق اعتصاب کارگران را به رسمیت بشناسد و تصریح کند که دولت و کارفرمایان به هیچ صورت اعم از تنبیه، جریمه، اخراج، یا بازداشت و غیره، حق انتقام جویسی را ندارند. برای تأمین حق اعتصاب مبارزه کنید.

رژیم آزادی کش و کارگزار سندیگایی، در قانون کار مصوب مجلس، انجمن های اسلامی را نیز به عنوان شکل کارگری معرفی کرده و مذبحا نسه می‌کشد انجمن اسلامی را که در واقع انجمن جاسوسی است، به شما تحمیل کند. گنجاندن این ارگان خیرچینی و تفرقه افکنی، این ارگان پرورنده سازی و اعتصاب شکنی در قانون کار، راه نسی است آشکارا به ساخت حقوق کارگران، به راهی انحلال این لانه های پلیدی رژیم در همه واحدهای

است، یعنی ارگانی که وظیفه مرکزی اش جاسوسی و پرورنده سازی علیه لینن کارگری و تفرقه افکنی در صفوف کارگران است.

در سال ۶۷، هسته های مخفی کارگری به لحاظ کمی، افزایش قابل ملاحظه ای نیافت، اما شماری از آنها از نظر کیفیت کار سازمان نگارنده و تقویت پایگاه خود، رشد کردند و منشأ اثرات معینی در هدایت برخی از اعتراضات توده ای علیه سیاست های رژیم شدند.

سال ۶۷، بر کارگران میهن ما، دشوار گذشت. زحمتکشان، علیرغم قطع جنبش، روی آسایش و امنیت ندیدند. سرخورداری از ابتدایی ترین حقوق صنفی - رفاهی از آنها دریغ شد، میسرترین ویدیهی ترین خواست های نیافت، "رقاه طلبی و مصرف گرایی" محکوم و سرکوب شد، عووض، ریاضت کشی و تحمل مصائب عظیم تر از جانب خمینی به آنها تجویز شد. سال ۶۷، در عین حال سال تداوم مبارزه بود. مبارزه ای بی وقفه و آکنده از تجربه. سال ۶۷، سال گسترش جنبش شونده ای نبود، اما نمی توان گفت که برای گسترش و اعتلای آتی جنبش، اندوخته ای فراهم نکرد.

تولیدی و خدماتی و حذف آنان از قانون کار مبارزه کنید.

کارگران مبارز و آگاه!

رژیم جمهوری اسلامی یک سال و نیم پس از آن که قانون کار اسلامی اش را در مجلس به تصویب رسانده، امروز با این دستاویز که "اجرای آن برای دولت مستلزم تحمل بار مالی سنگین خواهد بود و سرمایه داران نیز با وجود این قانون، سرمایه داران را بیچاره خواهد کرد" سعی دارد همین قانون و غیره دمکراتیک را نیز منسوخ کند. به همین خاطر "مجمع تشخیص مصلحت نظام" از تصویب نهایی آن سر باز زده و آن را به مجلس شورای نگهبان عودت داده است. این اقدام، بیش از پیش حساسیت رژیم اخوندی را در پاسداری بی خدشه منافع سرمایه داران غارتگر، نمایان می‌سازد. رژیم خمینی با این اقدام، در عین حال می‌کوشد، با تاکتیک "گرفتن به مرگ برای راضی کردن به تنب"، شرایطی را پدید آورد که طبقه کارگران را زیر فشار تمام همین منافع کارمصاب مجلس رفایت دهد. کارگران آگاه و مبارز را باید این توطئه های ضد کارگری را وسیعاً افشا کنید.

کارگران مبارز و آگاه! مبارزه کارگران را برای پایان دادن به شرایط نه جنگ، نه صلح و تأمین صلح پایسدار، سازمان دهید. علیه سرکوب آزادی های سیاسی و سندیگایی، علیه بازداشت، سرکوب، شکنجه و اعدام آزادیخواهان و رهبران جنبش کارگری اعتراضی کنید. برای نجات جان زندانیان سیاسی و آزادی آنها بیگاری کنید.

بسیج و سازمانگیری توده کارگران حصول مطالبات اساسی و مبرم صنفی و سیاسی وظیفه مرکزی شما است. هسته های مخفی کارگری را به وسیله در واحدهای کلیدی و صنایع بزرگ سازمان دهید و از همه مکانات فعالیتی علنی برای جذب توده کارگران و تدارک شکل های صنفی مستقل استفاده کنید.

ضوابط ضد دمکراتیک قانون شورا های اسلامی کار را افشا کنید. مبارزه کارگران برای بسرگزاری انتخابات آزادانه شکل های صنفی را سازمان دهید. اعتراض کارگران علیه ماده ۲۷ را متشکل کنید. نشانات بشیرمانه خمینی، سرحدی زاده و دیگر سران عوام فریب رژیم در توجیه ضرورت ریاضت کشی کارگران و عدم مطالبه افزایش دستمزد را بیگیرانه افشا کنید. برای افزایش سطح حداقل دستمزد، بهبود وضعیت تعاونی های مصرف و مسکن کارگری و اجرای طرح طبقه بندی مثال مبارزه کنید. برای تثبیت روزگارگر، به مثال سه روز تعطیل رسمی و سرگزاری آزادانه جشن اول ماه مه بیگیرانه تلاش کنید.

کارگران و زحمتکشان! برای تحکیم صفوف زنده طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان، برای تأمین اتحاد وسیع ترین اقشار خلق رزبه علیه رژیم ولایت فقیه، برای گسترش پیوندهای لینن لمللی طبقه کارگر و تحقیق آرمانهای شریف اول ماه مه، به صفوف سازمان سیاسی خود، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بپیوندید.

در اهتزاز یاد پرچم اول ماه مه زنده با طبقه کارگران ایران - زنده با سوسیالیسم پیروز با دمکراسی - زنده با خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اول اردیبهشت ۱۳۶۸

متراکم ترشدن نارضانی طبقه کارگر و تشدید بی اعتمادی آن نسبت به رژیم آزادی کش و کارگر سبزی جمهوری اسلامی، بی تردید، شاهین ترازو را بیش از پیش به زیان رژیم بی آینده آوندها خم خواهد کرد.

کارگران مبارز! ماده ۲۷ قانون کار اسلامی دست کارفرمایان را در اخراج شما کاملاً باز گذاشته است. طبق ماده ۲۷، کارفرما حتی از پرداخت حق سنوات به کارگر خارجی نیز معاف شده است.

همچنانکه برای لغو ماده ۳۳ قانون کار شاه به با خاستید، علیه ماده ۲۷ قانون کار اسلامی نیز مبارزه کنید. برای پایان دادن به اخراج های خودسرانه متشکل شوید. قانون کار باید بحق کار و امنیت شغلی کارگران را به رسمیت بشناسد و آن را تضمین کند. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)



# به یاد رزم‌آوران سنگر خونین کار

در موج کشتار عام زندانیان سیاسی کشور طی ماههای اخیر، شماری از برجسته‌ترین و متعهدترین کارگران پیشرو و فعالین سازمان فدائیان جنبش‌سندیکا بی‌طبقه‌کارگران ایران، به‌شهادت رسیدند. در میان این شهدا، رزمندگان بی‌بندگداری بودند که در غایت شجاعت و شجاعت‌شان، به‌شهادت رسیدند. اما گذرای پیروزی انقلاب، نتوانستند سرود همبستگی کارگران را با بانگ بلند فریاد زدن، آنها که عمره رنج، تجربه و آگاهی چنددهه‌ساز جنبش‌کارگری ایران بودند، آنها که از توده‌ها بودند و به‌توده‌ها و در راه آنها، جان عاشق‌شان را با ایمان به‌فردای روشن و پیروز زحمتکشان، نشاگر کردند. گرامی بداریم یاد رزم‌آورانی را که "برهنه پای برجاده‌ای از شمشیرکند شده‌اند". پاس بداریم آرمان شریف‌شان را و گام‌زنیم بازودربان زوی هم، در راه استرگ‌شان که راه‌های و به‌پروزی توده‌ها است.

دراول ماه‌ها سال باکرایی داشت خاطر هه‌شهادی جنبش‌کارگری ایران، مروری کوتاه بر یادنا هه‌شهادی کارگرو فعالین کارگری می‌کنیم:

\* - رفیق شهید، بندعلی مرادپور (بندی)، کار در برجسته‌ها زمان و از قهرمانان مقاومت در زندان‌های شاه و جمهوری اسلامی، کارگر خیاط و از سازماندهندگان اصلی سندیکا‌های منسوف تهران بود. رفیق بندی مسئول نشریه "اول ماه مه"، ارگان سندیکا‌های کارگری خیاط، کفایت و وفادارانه‌سوزنی تهران بود. او طی سالهای پس از انقلاب، به‌ویژه در سال‌های ۶۲ تا ۶۵ نقش مؤثری در سازماندهی جنبش‌کارگری در منسوف تهران داشت. رفیق مرادپور در آموزش رژیم به سازمان در تابستان ۶۵ دستگیر شد و در پراکنش شکنجه‌های وحشیانه رژیم قهرمانانه مقاومت کرد و در جریان قتل‌عام زندانیان سیاسی کشور به‌شهادت رسید.

\* - فدایی خلق رفیق شهید عباس جعفری، کارفداکار و قهرمان، کارگر جوخه‌کنسار و از سازمان‌نگران مبارزان کارگری در منطقه شمشیر قی تهران بود. رفیق عباس در میان کارگران از محبوبیت فوق‌العاده برخوردار بود. نقش او در تقویت و تحکیم یگان توده‌ای سازمان در مناطق کارگر نشین جوادیه و خاک سفید تهران بسیار چشمگیر بود. رفیق عباس از سال ۶۲ تا ۶۵ وظایف سازمان‌های را به‌مثابه عضو هیئت یکی از گروه‌های مرکزی تهران فداکارانه پیش برد. در آموزش تابستان ۶۵ رژیم، دستگیر شد و زیر شکنجه‌های دوزخیانه حاکم قهرمانانه ایستاد و در پائیز ۶۷ جوخه‌اعدا سپرده شد.

\* - رفیق شهید توفیق وثوقی، فدایی خلق، کارگر پیشروی جاب و از سازماندهندگان سندیکا‌های کارگران جاب و کتای برفوشی هسای تهران بود. رفیق توفیق در میان کارگران جاب از احترام و اعتماد ویژه برخوردار بود. در سال ۶۵ توسط پاسداران رژیم دستگیر شد و علی‌رغم شکنجه‌های مکرر رژیم، سرسازمان خود ایستاد و در پائیز ۶۷ در پراخ جوخه‌اعدا ایستاد.

\* - فدایی خلق رفیق شهید علی اصغر ضیعی، کارگر پیشروی کارخانه‌های میاد و نما پینده کارگران بود. در سال‌های ۶۲ تا ۶۵ رهبری یکی از هسته‌های مخفی کارگری کارخانه‌های میاد را به عهده داشت و کارگران او را به عنوان کارگرهای فدایی می‌شناختند و از او به عنوان نماینده واقعی خود حمایت می‌کردند. او نماینده اتحادیه تعاونی‌های مسکن کارگران را می‌پسندید و به‌شکار و در راه بسط و جهت‌دهی به مطالبات کارگران مبارزه می‌کرد. رفیق اصغر در سال ۶۵ دستگیر شد و سرسازمان خود در سنگر سازمان و طبقه کارگری ایستاد و در پائیز ۶۷ توسط جلادان اوین تیرباران شد.

\* - رفیق شهید فدایی خلق حسین قاسم‌نژاد، کارگر خیاط و مسئول کارگران سازمان در شهر کرج بود. رفیق حسین در طول سالهای طولانی مبارزه علیه رژیم شاه و رژیم خمینی به‌یکسانی کارهای محراب و زنده‌چین انقلابی بدل شد. او نقش مؤثری در سازمان‌نگری مطالبات و مبارزات کارگری منطقه تحت مسئولیت خود داشت. رفیق حسین در سال ۶۵ دستگیر شد و پس از تحمل دو سال شکنجه در زندان‌های رژیم، در کناره‌های تیرباران به‌شهادت رسید.

\* - رفیق شهید محمدرضا شیبی، کارگر لاینگ‌ها هفت‌شهران و از فعالین سازمان‌نگران



مبارزات صنفی ننگران بود. رفیق محمد در سال ۶۲ توسط پاسداران رژیم دستگیر شد و پس از پنج سال اسارت در زندان‌های رژیم خمینی در جریان قتل‌عام زندانیان سیاسی کشور به‌شهادت رسید.

\* - فدایی خلق رفیق شهید خلیل هوشیار، کارگر باغبان و قهرمان، کارگر خیاط و از فعالین سندیکا‌های کارگری تهران بود. او در سال ۶۲ توسط پاسداران رژیم دستگیر شد و در پراخ جوخه‌اعدا ایستاد و در پائیز ۶۷ به‌شهادت رسید.

\* - رفیق شهید محمدتقی همجواری، از ننگران مبارز لاینگ‌ها تهران بود. رفیق همجواری در زمان ندهی و هدایت جنبش مطالباتی و مبارزات صنفی ننگران نقش مؤثری داشت. او در سال ۶۳ به‌واسطه جمع‌آوری طومار اعتراضی علیه وزیر کار دستگیر شد و پس از تحمل پنج سال اسارت در شکنجه‌گاه‌های رژیم خمینی و بی‌ایداری قهرمانانه در پراخ جوخه‌اعدا سپرده شد.

\* - رفیق شهید علیرضا کبایی، از ننگران لاینگ‌ها تهران بود. رفیق علیرضا از زندانیان مبارز رژیم شاه بود و به‌واسطه طرح مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی نیز در پراخ جوخه‌اعدا ایستاد و در پراخ جوخه‌اعدا سپرده شد. او در سال ۶۳ توسط پاسداران رژیم دستگیر شد و در پراخ جوخه‌اعدا ایستاد و در پائیز ۶۷ به‌شهادت رسید.

\* - فدایی خلق رفیق شهید خدایار خواجه‌ای (فرا مرز)، زندانی سیاسی رژیم شاه، کارگر برجسته سازمان، و از مسئولین شعبه کارگری بود. رفیق فرا مرز در تدوین سیاست سندیکا‌های سازمان و سازمان‌نگری جنبش توده‌ای کارگری در سال‌های پس از انقلاب نقش مؤثری داشت. او در سال‌های ۶۲ تا ۶۵ به‌مثابه رهبر هیئت یکی از مهم‌ترین گروه‌های مرکزی سازمان، وظایف سازمان‌های را پیش‌برد و در سازماندهی هسته‌های مخفی کارگری و هدایت تعدادی از اعتراضات و مطالبات کارگری نقش مهمی ایفا کرد. رفیق فرا مرز در آموزش تابستان ۶۵ رژیم دستگیر شد و پس از تحمل دو سال شکنجه دوزخیانه، در تابستان ۶۷ به‌شهادت رسید.

\* - رفیق شهید احمد تقی‌زاده، کارگر پیشرای سازمان و مسئول شعبه کارگری سازمان جوانان پیشگام ایران بود. او ۱۲ سال از زندگی مبارزاتی خود را در زندان‌های دوزخ رژیم سپری کرد. رفیق احمد مدت‌ها مسئول سازماندهی مبارزات ننگران خوزستان بود. در سال ۶۳ دستگیر شد و شکنجه‌های

ما کوهوار پابرجا شیم  
و اقیانوس‌وار به هم پیوسته  
ما از تبار رنجیم،  
از دودمان زحمت.  
ما بیک‌های بهاریم  
و سوسایسیم  
بهارتار رخ است.

"بخشی از سرود معدنچیان آسیانیا"

و حشیا نه‌دزخیان اوین را با سفرهای تحمل‌کردو در مه‌ماه ۶۷ به‌جوخه‌اعدا سپرده شد.

\* - فدایی خلق رفیق شهید سعید طباطبایی، از کارگرهای برجسته سازمان و مسئول شعبه کارگری ایالتی اصفهان بود. او در سازماندهی و هدایت جنبش توده‌ای کارگری به‌ویژه در دزدب‌آه‌سنن و صنایع نساجی اصفهان نقش فعالانه و مؤثر داشت و در پیشبرد سیاست سندیکا‌های سازمان و سازماندهی جنبش توده‌ای قانون‌کار سهم‌های داشت. رفیق سعید همراه با همسرش رفیق شهید، شیب‌ها به‌زادای دستگیر شد و علی‌رغم شکنجه‌های حیوانی رژیم بپراخ جوخه‌اعدا سپرده شد.

\* - فدایی خلق رفیق شهید محمد حسن دیانک شوری (منصور)، عضو مشا و رکن کمیته مرکزی سازمان و از مسئولین اولیه شعبه مرکزی کارگری سازمان بود. رفیق منصور در تدوین سیاست سندیکا‌های سازمان در سال‌های ۵۸ و ۵۹ نقش مؤثری داشت. او از مبارزان پراخ‌بده و مجرب جنبش انقلابی و از زندانیان مقاومت رژیم شاه بود. رفیق منصور سازماندهی و تقویت گروه‌روز به‌بود و در پیشبرد جنبش سازماندهی مبارزان توده‌ای در قریب بهمن نقش شایسته‌ای داشت. او در تابستان ۶۵ توسط پاسداران رژیم دستگیر شد و پس از تحمل شکنجه‌های بسیار، در تابستان ۶۷ در پراخ جوخه‌اعدا ایستاد و جان پاکش زخون سپید.

\* - فدایی خلق رفیق شهید صمد اسلامی، عضو کمیته مرکزی سازمان و مسئول کارگری تبریز بود. رفیق صمد از سازمان‌نگران مبتکر و مجرب جنبش کارگری آذربایجان بود و در گسترش و تحکیم بنیوندهای توده‌ای سازمان در تبریز نقش ویژه و برجسته‌ای داشت. رفیق صمد محبوب کارگران و زحمتکشان بود و در میان آنها از اعتماد و اعتماد خاصی برخوردار بود. او در سال ۶۲ دستگیر شد و پس از ۵ سال مقاومت قهرمانانه در پراخ جوخه‌اعدا سپرده شد و در تابستان ۶۷ به‌شهادت رسید.

\* - رفیق شهید فدایی خلق پرویز لاهی، از کارگرهای قدیمی و پراخ‌بده جنبش انقلابی و مسئول کارگری کمیته ولایتی شهر قزوین بود. رفیق پرویز از زندانیان سیاسی رژیم شاه بود. پس از آزادی از زندان به‌سازمان جنبش توده‌ای کارگری در شهر صنعتی قزوین همگام‌شد و نقش مؤثری در پیشبرد سیاست سندیکا‌های سازمان و هدایت این جنبش ایفا کرد. رفیق پرویز پس از ضربات تابستان ۶۵ دستگیر شد و سرسازمان خود قهرمانانه ایستاد و در پائیز ۶۷ بیکرکش آمساج گلوله‌های دزخیان شد.

\* - فدایی خلق رفیق شهید خلیل لطف‌الله‌زاده، کارگر پراخ‌بده و قهرمان سازمان و از نخستین مبلغین سازمان‌نگران جنبش توده‌ای کارگری سازمان در جریان انقلاب بهمن بود. رفیق خلیل مبارز پیشر و بی‌گنجه بود و تمام هم‌خود را صرف یافتن اشکال هرچه مؤثرتر کار سازمان‌نگران توده‌ای می‌کرد. رفیق خلیل در زندان‌های رژیم شاه و خمینی استوار و روممن به‌آرمان طبقه کارگری حقانیت‌راهی که برگزیده بود ایستاد و در تمام مدت پائیز ۶۷ توسط جلادان اوین تیرباران شد.

\* - رفیق شهید پیروز خواجه‌ای، از مسئولین کارگری منطقه شرق تهران بود. او با طیف وسیعی از کارگران کارخانجات مختلف تهران ارتباط نزدیکی داشت و بی‌وقفه در راه پیشبرد سیاست کارگری سازمان تلاش می‌کرد. رفیق پیروز در جذب و بسیج توده کارگران، سازماندهی حرکت آنها استعداد ویژه‌ای داشت و چهره‌ای محبوب و مورد اعتماد دبای توده کارگران بود. رفیق پیروز زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های رژیم خمینی را نیز بسا عشق به کارگران و زحمتکشان، بی‌رومندانه تحمل کرد و جان سرسرمیتا ق خود با توده‌های محروم نهاد.

پسرچیم دشان درخا طره توده‌ها  
خاودان در اهتزاز باد

## مسئولیت بیشتر در قبال سیر نوسازی

"مسئولیت بیشتر در قبال سیر نوسازی" عنوان سخنرانی آلکساندر یا کولف در کنفرانس حزبی ما همدسایر (سال ۱۹۸۸) ایالت بزم از جمهوری فدرالی تیورینگن شوروی است. یا کولف عضو دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و عضو وابسته فرهنگستان علوم این کشور است.

او در این سخنرانی با بیان صریح و رسای مخصوص به خود، کلیدی ترین مسائلی مربوط به نوسازی و بازسازی در اتحاد شوروی را مورد بررسی قرار داده و از جمله ضرورت استفاده از مکانیسم بازار در سوسیالیسم را استدلال می نماید.

در رابطه با مسائلی بین المللی نیز او به تفکر نوین سیاسی پرداخته و ضمن برشمردن خصوصیات اصلی و صفات متمایز این تفکر، تأکید می کند که مساله منابع و ارزش های عمومی بشری تنها در وظایف مربوط به بقا خلاصه نمی شود و وظایف و مراعات بفرخ ترسازماندهی زندگی بین المللی بر پایه عادلانه، خردمندانه و عقلانی را در بر می گیرد.

با توجه به تازگی نحوه طرح برخی مسائلی مربوط به نوسازی و اندیشی در این سخنرانی، متن کوتاه شده آن را در زیر می آوریم.

\* \* \*

از آوریل سال ۱۹۸۵ ما در شرایط و ماحول جدیدی زندگی و کار می کنیم و دست اندرکاران انقلاب در تکیه ما را از خود جدا نمی کنند. امروز جامعه و حزب ما با ما خودکارا یکی و روگردانند. مورد انتقاد قرار می دهند و به تنگنای درمی یابیم که چه ها که شده است. روشن است که نمی توانیم سرخ تر قدم برداریم، یا یک تفرقه افکننده از زندگی کنیم. بهتر کار کنیم، آنچه به ما گذرانده است غرّه بودن به خود و اطمینان به خط ناپذیری ما نبوده است.

آسایش روحی و درونی پیشین ما تا همین امروز مانع آن می شود که برخی از ما اهداف و ابعاد نوسازی را به طور کامل ببینیم.

آخر، در ما در کجاست؟ چه چیزی ما را آزار می دهد؟ ما که ظاهرآ همان چیزهایی را که برای زندگی برکیفیت لازم است، آن هم بیشتر از بسیاری از دیگر کشورها، داریم. پس دیگر چه چیزی است که نمی گذارد شرایط زندگی انسان شوروی را در سطحی شایسته، چه به لحاظ مادی و چه به لحاظ معنوی تا همین کنونی؟

نوسازی از همین سؤال ها شروع شد. کنفرانس شام روی همین سؤال ها می چرخد. اما جواب این سئوالات را همان گونه که کنفرانس شام هم تأیید می کند، باید در خودمان جستجو کنیم. در عادات انسان، در محافظه کاری ما، در پررنگی و بی مسئولیتی ما، در این جستجو کنیم که زندگی خودمان را چگونه از زمان می دهیم، مناسبات جامعه را چگونه بنیان می کنیم، و جهان پیرامون را چگونه درمی یابیم.

آری، بسیاری چیزها بستگی به خودمان دارد. اما ما خودمان اسیر شرایط اجتماعی هستیم و اگر عریض کردن بسیاری از رهبران نتیجه دلخواه را به بار نمی آورد و از این بدتر، اگر آدم های مدیعی برگمارده می شوند و بعد استخاره پیدا می کنند، پس حتی جای کار خود ما در زندگی اجتماعی است که می نتکند.

اما کجای کار؟ آخر بدون تشخیص بیماری که نمی توانستون روی معالجه موفقیت آمیز آن حساب کرد. امروز دیگر روشن است که رشد و تکامل ما به سوسیالیستی امری بیک بعدی و فکالی نیست. رشد و تکامل ما به سوسیالیستی دارای شقوق مختلف بوده و جریش ها، اشکال، و اجزای بسیار پرشماره را در چارچوب یک فرماسیون واحد با زتاب می دهد. می دانیم که این تنوع در گذشته قابل مجازات بود و گاهی هم مجازاتی که به آدم های سختی در برداشت. در مرز سالهای ۲ و ۳۰ در جریان رشد و تکامل ما به شوروی نا هنجاری هایی پدید آمد که همین امروز هم پیشرفت ما را مانع می شوند و فکر و عمل ما را به بند می کنند.

دولتی کردن زمین و زمان، تمرکز بیش از اندازه قدرت و منابع در مرکز به ضرر مناطق پیرامونی، شکل گیری سبک سیستم اداری - فرماندهی و برچین زمین های هم فرمالیزه کردن و بوروکراتیزه کردن همه شئون زندگی و تپتی کردن آن از ابتکار و رو قریحه. به فراموشی سپردن اصول حاکمیت خلق و خودگردانی مردم. تازه به سو استفاده ها و سرکوب های جنایتکارانه هم نمی پردازیم.

امروزه اغلب این سؤال بسیار مهم تئوریک و سیاسی طرح می شود: آیا آنچه که ازل نوسازی درمی آید سوسیالیستی است؟ سعی می کنیم این مساله را برای خود نوسازی، چرا که این امر برای درک جوهر حرکت ما و برای وحدت ما بسیار اهمیت دارد.

کلاسیک های ما هنگام تعریف نظام اجتماعی نوین پیش از همه از مفاهیم "عقلانی بودن"، "بهروری"، "شخصیت"، و "سعادت" استفاده می کردند. آنها سوسیالیستی بودن را در وهله اول در راهی مناسب است اجتماعی از هر آن چیزی می دانستند که خلاف قانوس طبیعت بوده و بسیاری انسان و جامعه زیان آور است و با نظرات متعارف انسانی در باره خیر و شر و دربار خلاق و عدالتنا سازگار است.

نه تنها انسان، بلکه جامعه هم کودکی، جوانی، و داندنکده های خود را دارد. سوسیالیسم به مثابه پدیده ای جهانی تازه در ادوار دورانی نو جوانی خودوداع می کند و با به بلوغ می گذارد. دانشکده های ما دانشکده های پدید آمده ی سخت و بی رحم بودند. اما امروز آن قدر خردمند هستیم که خطاهای اجتناب ناپذیر جوانی ما را بر بیعتی و هم ناپختگی و کله شقی این دوره و هم تمایل به پاسخ های ساده و نظرات یک سوید را به درستی ارزیابی کنیم. این راه می می بینیم و از فهمیم که ما همه ما همین طور سوسیالیسم جهانی هستیم، در حال حاضر از هر آن رشد و پویای گستر می کنیم.

سوسیالیسم با استواری به با استاد و بنیاده اولیه خود را تحکیم کرد. سوسیالیسم در پویه خود تا آنچه به پیش رفت که نیروهای مولد آن مناسبات جدیدی را در جامعه طلب نمودند. اما درک این نیاز با تاخیر

همراه بود و پاسخ گویی عملی به آن با تاخیری بازم بیشتر. حاصل این هم چیزی نبود جز ترمز رشد و تکامل اجتماعی - اقتصادی. و این نیز همان بحران رشد است که شکل رگودیدار کرده است.

سوسیالیسم اعلام خشک و خالی ایده آل ها و اصول نیست. آنچه بسیار از ایده آل های ما را بشریت از هزاران سال پیش فرمول بندی کرده است. سوسیالیسم یک شما زیبای اجتماعی نیست: تاریخ، اتوبی های بی شمار می باید دارد.

نوسازی تنها روی آوردن به فرمول ها و تصمیمات جدید نیست، بلکه با این نیز همراه است که این فرمول ها و تصمیمات برای انسان زحمتکش، برای خلق، برای کشور و برای سوسیالیسم چه چیزی به ارمان خوانندگانه خود انسان نیز معنی خواهد داشت. چرا که فکرش را هم نمی توان کرد که لذا این فرمول ها نه تنها به لحاظ افزایش ثروت لحظه ای، بلکه به لحاظ حراست از طبیعت و تکامل مناسبات اجتماعی و دنیا بر این به لحاظ تکامل خود انسان نیز معنی خواهد داشت. بر زمین نابخردی در زندگی اقتصادی، بر زمین پدیده های منفی اجتماعی و طبیعت رو به ویرانی، شخصیت از هر لحاظ رشد یافته انسان را پرورش داد.

بازی، نوسازی عبارت است از ضرورت تجدید سازمان عمیق، پیش از هر چیز در مناسبات اقتصادی جامعه.

اما آنچه که در این زمینه باید تصحیح شود و دوباره ساخته شود کدام است؟

اگر تمامی نا هنجاری های زندگی ما را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم خواهیم دید که پایه این همه را بی تردید لاقال دو نارسایی جدی تشکیل می دهد.

اول، این بی آن مکانیسم های محور کردن ابتکار، استقلال و قریحه انسان، کلکتیو، جمهوری، و ایالت.

دیگری، برخورد بازی به هر جهت و غیر مسئولانه در تصمیم گیری و اجرا. و نتیجه معلوم است: لگام زدن به خلاقیت فردی، محدود ماندن انتخاب آزادانه درونی در چارچوب مصنوعی، بیگانگی، و بالاخره به فلاکت مادی و معنوی کشیده شدن انسان و روی هر فرقه، زندگی.

فرم اقتصادی جریان دارد اما در چارچوبی زنده، محرکه های آن ناتوان شده اند، وضعیت بازار کالاهای مصرفی و خدمات، و همچنین وضعیت امور مالی هنوز رو به پویایی نگذاشته است. مخالفین خارجی و داخلی ما از هر مکانی استفاده می کنند تا به زخهای ما ننگ بپاشند، مشکلات موجود را تشدید نمایند، و ایمان ما را به نوسازی، یعنی به محبت انتخاب سوسیالیستی ما را تخریب کنند.

البته برای هر کسی که واقع بینانه فکری کند روشن است که جامعه هنوز هم تاوان گذشته را باری می دهد و این هم از هر چیزی دردناک تر است. رفقا زمان ما را زیر منگنه گذاشته است. تحمل چیزی نیست که حد و اندازه نداشته باشد. ما شاید تنها نزدیک به ۲ تا ۳ سال فرصت داریم که هم به خودمان و هم به دیگران ثابت کنیم که: سوسیالیسم دردناک نیستی اتوبی نیست، ایده های مردم سالاری راستین ایده های واقعی هستند، منافع فردی و اجتماعی نه تنها با هم سازگار هستند، بلکه متقابلا یکدیگر را تکمیل می کنند.

باید با چشم باز به زندگی نگاه کرد. ظرف نیم قرن اخیر ما مصرا نه "اقتصاد برای اقتصاد" را ساخته ایم، اقتصادی که به طبیعت و به خرد زور می گوید و مردم را ورشکست می سازد. ما سالانه ۱۵ میلیارد تن مواد معدنی استخراج می کنیم، مدت ها است که به لحاظ استخراج سوخت (به استثنای زغال سنگ)، تولید فولاد، سیمان و تراکتور از ایالات متحده آمریکا پیشی گرفته ایم. به لحاظ تولید سرانه نیروی برق از ژاپن جلوتر هستیم. اما به کجا رسیده ایم؟ میانگین حقوق ما ها نه کمی بیش از ۲۰۰ روبل است و تازه تنهایی آن تشبیه شده است.

در مختصات اقتصاد پر ریخت و پاش و بدون بازار، افزایش آهنگ رشد عمومی اقتصاد در ما هیت امر همان تعویضی سنگ "سیریف" با یک سنگ سنگین تر دیگر است. تکامل بخشیدن به کار "سیریف" نه کشودن راه نوسازی، که به بن بست کشاندن آن است.

از همه چیز که بگذریم، ما اجبارا چاره ای نداریم جز آن که به اوضاعی مهمل تن بدهیم. مثلا روشن است که به طور همزمان نمی شود این دو کار را به انجام رساند که هم اقتصاد را به پویایی جدیدی زاری کرد و هم برنا مه پهنساله را که اساسش بر شیوه پیشین استوار است، به انجام رساند. اما چاره دیگری نداریم. در حال حاضر برنا مه پهنساله سنتا پر ریخت و پاش مطلوب ترین سنگر ما نیم ترماست. زیرک ترین مخالفین نوسازی هم امیدوارند که در پشت همین سنگر پناه بگیرند.

اما کلید فرمول بندی مسئول چشم انداز لاقال نزدیک و تقریبا عاجل در چیست و آیا اصلا چنین کلیدی وجود دارد؟ ما به چنین کلیدی نیاز داریم. جامعه ما بیش از این نمی تواند در وی سر بایستد.

با همه قید و شرط ها، اما می توان اعلام کرد که بدون بازار سوسیالیستی و یا با دوزدن آن، نمی توان جریان خون را در جریان های اقتصاد اتحاد شوروی تا همین نمود. همان گونه که نمی توان تمامی تنوع تقاضا و سلیقه ها و همه گرایش های انکشاف علمی، فنی و زیبایی شناسی را در برنا مه منظور کرد، همان گونه هم نمی توان تقاضای مصرف را پیشا پیش بر آورد کرد و با تلاش نمود که آن را با سیستم کوبشی توزیع کالا و خدمات به بند کشید، حتی اگر این کوپن ها در کشور ما شکل پول داشته باشند.

بازرگانی دولتی ما در شکل امروزین آن مجموعه معایب کار پر داری دولتی - فئودالی رایج در خودگردان بوده است. حساب سازی، سند سازی، اختلاس، کلاهبرداری، صحت نه بر سر هزاران کارکنان صديق عرصه بازرگانی، بلکه بر سر آن سیستم فرسوده و فاسدی است که مطابق قوانین اقتصادی منحصربه خویش عمل می کند. محمولات ما نه بر اساس علاقه شخصی زحمتکش در پشت میز فروش، بلکه بر اساس برنا مه به کالا تبدیل می شوند، برنا مه ای که مدت ها است گوشت و استخوان سیستم دستوری را تشکیل می دهد. برنا مه به هر کیفیت اجرا می شود اما پیش از همه به حساب مصرف کننده: انحمار مطلق دولت، مصرف کننده را مطلقا بی دفاع می گذارد.

برنا مه ای که تا دکان و میزها هم متداده شده بود به سبب چه درد می خورد؟ به درد فرماندهی، شکل کنونی برنا مه بریزی را بیطبع سیستم معکوس سیستم اداری - فرماندهی پر ریخت و پاش است. در قبال انجام برنا مه، یعنی در قبال اجرای دستور مواجی داده می شود که "میزان آن را کمیته دولتی کار تعیین کرده است، جایزه و پاداش داده می شود، اما نه دستمزد.

سرچشمه می گیرند؟

این مسایل همان گونه که اطلاع دارید درکنگره ۲۷ حزب دوقیمتاً مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بسیاری از سخنرانی های میخائیل سیرگویی که راجعاً و از جمله سخنرانی اخیراً و دربرابر نمایندگان مجمع عمومی سازمان ملل متحد به این مسایل اختصاص داشته است. پاسخ ما به این مسایل، همان تفکر نوین سیاسی است. اما خصوصیات اصلی و صفات متمایز این تفکر کدام است؟

**اول**، روی آوردن به همه آن عناصر نوین و آینده داری که شاخص جهان معاصر هستند و خصوصیت منحصر به فرد و محتمل ترین گرایشات رشد و تکامل آن را تعیین می کنند.

**دوم**، تفکر نوین سیاسی ایده رشد و تکامل را در صرح تریسمن و بلاواسطه ترین شکل آن در صدر قرار می دهد.

**سوم**، تفکر نوین سیاسی عبارت است از بازتعیین ژرف تمامی سنن سیاست اعمال زور و فاصله گیری بارز از جاذب این سیاست. تناسب قوای اجتماعی در اینجا دکل بشریت امروز به گونه ای است که امکان می دهد ریشه کن کردن اشکال نظامی و قهرآمیز از حیات کشورها و خلق ها به مثابه مسئله و وظیفه ای اکیدا عملی پیش کشیده شود و به جای آن ها اشکال حل سیاسی و حقوقی تضادها و ستیزها نشانده شود.

به لحاظ اصولی نادرست خواهد بود اگر ساله منافع و ارزش های عموم بشری را تنها در روابط فربوط به بقا خلاصه کنیم. در پی این ساله وظایف به مراتب بفرج تری سر بلندند که از زمان ندری زندگی بین المللی برپا می آید، خردمندانه و عقلانی. سازماندهی خود همان جهان غیر هسته ای، که با پدید آمدن مسایل خود را به طور ملموس آموخت و حساب منافع همه طرف های ذینفع حل و فصل کند، جهانی که باید علم دشوار بلورالیم منافع را نه تنها در مناسبات میان خلق ها، بلکه همچنین در حیات سیاسی درونی آنان فرا گیرد، و این خود از به هم وابستگی متقابل هم این وهم آن ناشی می شود.

آیا جهان از خطر هسته ای، تنها با جادوهای مصنوعی منافع و اغراض گروهی منقسم خواهد بود؟ ما این که راههای موثری پیدا خواهد شد برای تلقین "من" هر کشور و خلق و حق بلا شرط و برای انتخاب از یک طرف یا توانایی آوردن دیگران و یافتن زبان مشترک با آنان، از طرف دیگری اما در این حالت، این همان تحقق یا به عموم بشری در تاریخ خواهد بود.

امروز معنای کاملاً مشخص مفهوم عمومی چیست؟ جلوگیری از جنگ هسته ای. متوقف ساختن روند خطرناک انحطاط طبیعت. گرفتن حربه امکان به جهان هم نداشتن خلق ها از دست ارتجاع. تغذیه گرسنگان، درمان بیماران، آموزش بی سوادان. جلوگیری از تلاطمات بحرانی که آسیب آن را میلیون ها انسان ساده تحمل خواهد کرد. تا مین رشد و تکامل اجتماعات اقتصادی، غلبه بر عقب ماندگی، پیشرفت علم و فرهنگ، مبادله ارزش های راستین معنوی، حفظ حراسبت فضای اخلاقی بشریت از گزند پلیدی ها و مسومیت ها.

چنین است مضمون واقعی امروزین منافع عمومی بشری. اما آیا کدام یک از این منافع با ایده آل ها و اهداف سوسیالیسم در تضاد قرار دارد؟ هیچ یک! کدام یک از این ها با منافع طبقه کارگر متضاد است؟ هیچ یک! کدام یک از آنان با منافع کشورها و سوسیالیسم جهانی در تضاد است؟ باز هم هیچ یک!

برعکس، در جهان معاصر هر قدر هر یک از این منافع و با تمامی آنها بیشتر، کامل تر، و مطمئن تر تأمین شوند، به همان میزان مواضع کشورها استحکام بیشتر خواهد یافت.

رفقا! برخوردیم الموهشیار - برخاسته از زندگی و خواست های مردم نسبت به نوسازی مناسبات اقتصادی و سیاسی و نسبت به انجام وظایف اخلاقی، کلید تبدیل آرزو به واقعیت است. روندهای سالم سازی بفرج اندو ممکن است با فرازونشیب و جهش و بزنگاه همراه باشند. اما با ایجاد مناسبات جدید، ما زیربنای رشد و تکامل سالم جامعه را فراهم خواهیم ساخت. اگر نسازیم و اگر در جریان نوسازی در برابر فغان دشواری های آن تسلیم شویم، آنگاه گرایشات ویران گر در عرصه اقتصادی و سیاسی - اخلاقی ممکن است از برخی لحاظ درمان ناپذیر گردند. آنگاه نه تنها با زکشت به گذشته و به آنگاه می رگود، بلکه محافظه کاری معسارض و اشتغال جویی نیز می تواند ما را تهدید کند که سر مست پیروزی است. این را باید ببینیم. این را باید ما کمونیست های حزب کبیر درک کنیم.

زیر نویس:  
\* - کنایه از آب درون گویند. سیریف نام پادشاه افسانه ای یونان باستان که بنا به غضب خدا یان محکوم به آن شده بود که تا ابد سنگ را از گروه بالابرد که هر بار به محض رسیدن به قله، دوباره به پایین می غلطید. م.

اگر در آرگانیم سوخت و ساز صحیح صورت نمی گیرد، غذا چسبه فایده ای می تواند داشته باشد؟ در سیاست هم مثل طنز چ نباید سیاست حرکت کرد. قبل از تولید، باید آموخت که محصول را چگونه می باید ساخت عمل آورد، نگاه داری کرد، و به دست مصرف کننده رساند. آن هم بدون فایده ای. اما با تکاندن در آفسون تولید بوده ایم. تکاندن تقدیرنامه و پاداشی در قبال نگاه داری فرآورده ها اعطا شده است. در حالی که به خاطر تولید میلیون ها نفر نشان گرفته اند. اگر چه هر کس می دانند که محصول نه در خود مزه، که در سفره است که ارزش دارد.

در گام این امر که ما رکن و انگلیس در طراچی شیوه تولید غیر کالایی و بدون بازار اشتباه کردند برای لنین فوق العاده دردناک بود. این فرضیه از آزمون زندگی سر بلند بیرون نیامد، "کمونیسم جنگی" یک اشتباه و نتیجه اتوبی تمحیلی غیر کالایی بود.

پس از سال ۱۹۲۱ تکامل نظرات لنین هر روز در جهت پذیرش تدریجی این نکته پیش می رفت که سوسیالیسم جامعه ای است با تولید کالایی، بازار، رقابت، ارز، دمکراسی و نظایر آن. لنین در اثر خود "در باره تعاضد" چنین نوشت: "در آرزوهای تعاون گران کهن خیلی چیزها تخیلی بود. اکنون بسیاری عناصر تخیلی، حتی رمانتیک و حتی مبتذل از آرزوهای تعاون گران کهن به واقعیت محض تبدیل می شود."

زیرا همانا تعاضد آن دستگاه مختصاتی است که در آن می توان منافع شخصی را با جمعی، منافع جمعی را با دولتی، و منافع دولتی را با اجتماعی به تمرین ترین نحو سازگار و هماهنگ ساخت و سرتاج مسئله اصلی را حل نمود: به یکسان سازی هلاکت بار خاسته داد و به برداشت بر حسب کار نایل آمد. بدون این امر با خفتن سوسیالیسم اتوبویی است، بدون این امر جامعه و انسان از مالکیت و قدرت بیگانه هستند و لاجرم قدرت و مالکیت به صورت زاده دولت درمی آیند و نه چیزی بیش از آن.

فعالیت کاری انسان ها همیشه سگانه است: تولید مبادله - توزیع. در عین حال طبقه "تولید مبادله" از زمانی که شکارچی بدوی و ماهیگیر بدوی گوشت و ماهی را مبادله می کردند امری فراتر از طبیعت بوده است. توزیع امری تاریخی است: برده خوراک دریافت می کرد، رعیت اقتصاد خود را داشت، و پرولتر مزدور بر حسب کارش دریافت می کرد، اما تنها به آن اندازه که با تولید جسمانی او را تأمین کند. این بدیهیات درس عمومی اقتصاد سیاسی را برای آن یادآوری می کنم که بگویم: وقت آن است که به کار و برپا همیشه دروغ ناسازگاری سوسیالیسم و بازار را از آگاهی خود بزدانیم.

دولت از آنجاست نمی تواند به طور عقلایی بازرگانی کند که خود همیشه به حساب جامعه زندگی می کند. در عین حال دولت می تواند دادستان متعادل بازرگانی باشد، تنظیم کننده جریان های مالی، و کنترل کننده پرداخت بر حسب کار. خود دولت که نمی تواند پرداخت بر حسب کار را برقرار کند، چنین فکری محض است. این کار تنها از عهده بازار برپشته سوسیالیستی ساخته است. بدون بازار در آینده هم محدودیت ها، کمبودها، ممنوعیت ها، و بیخشنده ماهی برما حاکم خواهد بود که دقیقاً پشتوانه ما شین ترمز هستند.

عمیقاً اعتقاد دارم که موازین سگانه زیر باید در جامعه به صورت قانون درآیند:  
۱- مبادله عادی معادل های کاری، یعنی چیزی که تنها در بازار میسر است و چیزی که قادر است به طور واقعی به ریخت و پاش بی معنی پایان دهد.

۲- مبادله عادی اطلاعات، چیزی که تنها در شرایط دمکراسی و علنیست میسر است. انحصار اطلاعات، مانع ایجاد کردن و محدود نمودن جریان های اطلاعاتی با یکدیگر، و به آخره بافت استبدادی این جریان ها سوسیالیسم را لاجرم به استالیسیسم می کشاند.

۳- سیستم عادی ارتباطات معکوس، چیزی که خودکامگی را بسا اولویت قانون منکوب می کند، تنها قوانین هستند که می توانند جامعه را به طور عادلانه اداره نمایند.

نوسازی تضادگیری نیز دارد. این تضاد آن است که ارتباطات معکوس که در حقیقت سطوح و مدارج اداره زندگی جامعه ضروری است، در بسیاری موارد از هم گسیخته شده و در بسیاری موارد هم امل وجود ندارد. ضرورت بازاری مناسبات عدلی نیز از همین جا است. تکاندن بارها گرفته شده است که راستای اصلی رفوم سیاسی عبارت است از دمکراتیزاسیون، علنیست، قانونیت، و مسئولیت. مجموعه این ها هم یعنی خودگردانسی سوسیالیستی خلق.

چند کلامی هم در مورد مسایل بین المللی. در این زمینه نیسوسازی ما را به مرز کیفیتا نوینی نزدیک می کند. اهداف ما کادامه و از کجا

ناآرامی در گرجستان شوروی

از اوایل ماه آوریل (نیمه فروردین ماه) امسال، تظاهرات و راهپیمایی های بی درتفلیس، پایتخت جمهوری گرجستان شوروی در اعتراض به خواست برخی محافل اجتماعی ایالت خودمختار "بخاریا" مبنی بر جدایی این ایالت از جمهوری گرجستان، آغاز شد. ادامه تظاهرات در روزهای بعد چهره ناسیونالیستی به خود گرفت و شعارهای ضد شوروی و ضد سوسیالیستی و جدایی گرجستان از اتحاد شوروی در آنها مطرح شد. ابتکار عمل در این ایالت به دست جریان ناسیونالیست ناسیونالیستی موسوم به "نهضت رهایی بخش ملی گرجستان" افتاد. علیرغم تلاش های رهبران جمهوری برای آرام ساختن اوضاع، اعتماد ناسیونالیست ها را نتوانست برساند.

در ماه آوریل، ناآرامی ها به اوج خود رسید. در میان تظاهرات کنندگان، زمزمه های اشغال مرکزی دولتی در جمهوری گرجستان، و قلع و قمع کمونیست ها و تشکیل دولت موقت، و چگونگی

در چنین شرایطی، رهبران محلی برای کنترل اوضاع، ارتش را به کمک طلبیدند. نیروهای ارتش دستور داشتند که بدون استفاده از سلاح، تظاهرات کنندگان را متفرق سازند. اما عده ای از تظاهر کنندگان با جوبدستی، میله های آهنی و سنگ به مقابله برخاستند. در جریان این زد و خورد ها و بر اثر فشار جمعیت تعدادی از مردم زیر دست و پا نشدند و به قتل رسیدند. بر اساس آمار اعلام شده، تعداد کشته شدگان ۱۹ نفر و مجروحین ۲۵ نفر است. ۷۵ نفر از مجروحین از نیروهای ارتش بودند. ساعت ۱۱ همان شب، حکومت نظمی در شهر اعلام شد. برای تخفیف اوضاع بحرانی و عادی سازی شرایط سلسله اقداماتی از سوی حزب کمونیست اتخاذ و در صورتی جمهوری گرجستان آغاز شد. ادوارد شواردنا دزه وزیر امور خارجه و دبیر اول سابق حزب کمونیست گرجستان که خودگردانی است، و گئورگی رازوموفسکی، دبیر تشکیلات حزب کمونیست اتحاد شوروی به تفلیس اعزام شدند و بلافاصله جلسات با شرکت افراد شخصیت های موثر علمی، فرهنگی، ادبی، کارگران موسسات تولیدی، اساتید و دانشجویان دانشگاه و رهبران مذهبی جمهوری

تشکیل دادند. میخائیل گابریا جف در پی می بسسه مردم گرجستان از آنها خواست تا در این لحظات حساس در برابر خلق خویش و تاریخ با مسئولیت عمل کنند. کمیته امنیت دولتی، ۴ تن از رهبران نهضت به اصطلاح "رهايي بخش ملی گرجستان" را دستگیر کرد. کارگران و جوانان تفلیس برای برقراری نظم، گروه های داوطلب تشکیل دادند. اوضاع شهر رفتاره رفته رفته آرامش گذاشت. کمیته ای مشغول از عفاي پارلمان، رهبران حزبی و شخصیت های محبوب مردمی برای بررسی و تحقیق پیرامون دلایل تراژدی آوریل تشکیل شد و موظف گردید که حقیقت را تا پایان دنبال کند و به اطلاع مردم برساند. در جلسه پنجم کمیته مرکزی حزب کمونیست گرجستان که در ۱۵ آوریل تشکیل شد، رهبر حزب، نخست وزیر و رئیس پارلمان جمهوری داوطلبانه استعفا کردند. اعلام شد که تصمیم برای دخالت نیروهای ارتش مورد حمایت همه عفاي رهبری حزب و دولت (از جمله فرمانده لشکر ماوراء قفقاز) نبوده بقیه در صفحه ۳



مناسبت هجدهمین کنگره ح.ک.ا.

چهره نوین حزب کمونیست ایتالیا

۱- موقعیت حزب در آستانه کنگره

در نخستین روزهای فروردین ماه امسال، هجدهمین کنگره حزب کمونیست ایتالیا (ح.ک.ا.)، بزرگ ترین حزب کمونیست جهان غیر سوسیالیستی برگزار شد. ح.ک.ا. حدود ۱/۵ میلیون کمونیست (یعنی یک سوم همه کمونیست های کشور - ایستای) سرما به داری را در صفوف خویش متحد کرده است. لکن اتوریته و ثیرا جماعی این حزب تنها ناشی از کمیته نیست، توجه و علاقمندی به آن، قبل از همه به فعالیت سیاسی مؤثر آن در سطح ملی و بین المللی پتانسیل غنی معنوی و نواوری در طی همبستگی بسبب گسی

ح.ک.ا. که به مثابه نیروی اپوزیسیونی قدرتمند همواره در محاسبات اتحاد حزب ها کسب مورد توجه بوده، نقش مهمی در تامین آرادای های دمکراتیک در ایتالیا ایفا کرده است. کمونیست های ایتالیا در ایتالیا کشور، در آرگانها - رهبری ایالات و شهرها کار می کنند و در سراسر ایتالیا کمیته های فعال حزبی دارند. در نتیجه، کنفدراسیون سراسری کار ایتالیا که بزرگ ترین سندیکا ی کارگری اروپای غربی است و بیست و پنج میلیون عضو دارد، راه داری می کنند. در این کنفدراسیون حزب سوسیالیست ایتالیا نیز حضور دارد. حزب کمونیست های ایتالیا یگانگانه حزب کمونیست اروپا یی است که بخش عمده نهضت تعاضلی کشور را سازمان می دهند.

تحولات فوقانی که در کشورهای رشد یافته سرمایه داری (و از جمله ایتالیا) در سال های دهه ۸۰ رخ داد، کمونیست ها را با مسایل نوین و بسیار پیچیده ای روبرو ساخت. ح.ک.ا. نیز مطابق آسنادش در تلاش برای تعیین شرایط جدید، اتحاد خط سیاسی بویا، کشف شیوه های نو برای کار توده های، توجه به وضعیت تازه در مبارزه ایدئولوژیک و کار فرهنگی و نقش تحول یافته رسته های کارگری در کمیته های ایتالیا انتظار را داشتند، موفق نبوده است. در نتیجه این امر گرچه در انتخاباتی که بلافاصله پس از مرگ تراژیک انریکو برلینگوتتر، رهبر نامشروع کمونیست های ایتالیا و شخصیت برجسته و محبوب مردم ایتالیا، برگزار شد، آراء حزب به حسد سی سابقه ۳۳ درصد رسید، اما دوره اخیر ایس

شرکت هیات نمایندگی... بقیه از صفحه اول

متعلق به حزب است، بخشی شد. بیش از یک سوم نمایندگان کنگره از زنان تشکیل می دادند. سن متوسط نمایندگان ۳۵ تا ۴۵ سال بود. در طول کنگره بیش از یکصد سخنران پیرامون سیاست و مضمون حزب، در باره مسایل اساسی و ساختار حزب و نیز در باره ماهیت و مشخصات حزب کمونیست ایتالیا بحث کردند و پیشنهادهای خود را به رای اکثریت گذشتند. تنوع گسترده آرا و گرایش فکری و نوا و قابل ملاحظه حزب در متحدان داشتن این طیف وسیع فکری کنگره آراء و حدود چارچوب حزب واحد، را در دیگر در کنگره هجدهم حزب کمونیست ایتالیا به نمایش گذاشته بود.

مضمون سندسیاسی - برنامهای که از جانب دیگر کل حزب، رفیق اوگتتو ارائه شده بود، به مثابه سند اساسی کنگره از ماه قبل، از ابتدا مبر ۸۸ با انتشار در آرگان حزب، به بحث علنی گذاشته شد (آیده های اساسی این سند در مقاله مندرج در شماره ۱۰۰ قبل از مه ۱۳۶۷ در آرگان حزب انعکاس می داد. کنگره با اکثریت قوی (حدود نود و پنج درصد) از سندا ول حمایت می کرد. رفیق کوسوتا در سخندود بر آلترا تئودمکراتیک برای سوسیالیسم تکیه داشت. اودریاسات خارجی نیز بر نزدیکی بیشتر با کشورهای سوسیالیستی و سایر احزاب کمونیست تکیه دارد. از سوی دیگر کنگره از جانب برخی دیگر از رهبران حزب پیشنهادهای تغییرات در حزب و در پروگرام، که داس و چکش و ستار سرزمین سه سرخ است، مطرح شد. رفیق ناپلئون دیرا صورت بین المللی در هیات رهبری حزب مدافع این نوع پیشنهادهای بود، اما کنگره با اکثریت قاطع این پیشنهادهای را رد کرد. در کنگره سالها سترا لیسیم و دموکراسی، همکاران و رفیقان و دیگر مسایل مهم زندگی مورد بحث قرار داشت و پیشنهادهای مختلفی ارائه شد. از جمله پیشنهاد اصلاح در اصل ساندرا لیسیم دمکراتیک موردا نشاید قرار گرفت.

آرانست به دوره های قبل تر از آن که حدود ۳۰ تا ۳۱ درصد بود، اندکی تنزل کرد و اکنون در حدود ۲۷ تا ۲۸ درصد است. هجدهمین کنگره، ک.ا. در ۱۹۸۶ آغاز

نخستین دور بحث های پایداری برای ریشه یابی مشکلات و بی جویی راه های نوین بود. اوضاع موجود از حزب، کشیایی حدا کثورتور دین حال حرکتی قاطع را طلب می کرد. پس از مرگ انریکو برلینگوتتر و شکل گیری خلاء رهبری، کمیته مرکزی رفیق الساندرو تانا را به جانب نشینی او برگزید. اما او بر پایه یک رشته دلایل، از جمله بیماری، پس از چندی از مقام خود کناره گرفت اما در جمع رهبری با قسی ماند. مهم ترین حادثه پس از این کنگره، انتخاب رفیق آکیله و کتتو، رهبر ۵۵ ساله دبیر کل حزب در پلینوم ژوئن ۱۹۸۸ کمیته مرکزی بود. در همین پلینوم موعدبرگزاری کنگره ۱۸ در پیسار ۸۹ با مضمون "کنگره دگرگون سازی، برای اتحاد ملی نوین حزب" تعیین شد.

۲- آلترا تئودمکراتیک، فرمسم قدرتمند

مشئ نوین سیاسی ح.ک.ا. موبه کنگره هجدهم آن، "آلترا تئودمکراتیک" است. کمونیست های ایتالیا تا کنده ایند: "در شرایط پیدایی پدیده های عظیم نوین در همه عرصه های زندگی اجتماع، بر ما ست که بر ما مهید و آلترا تئودمکراتیک امروزین برای اصلاحات در شیوه های ادا ره کثورتور را ارائه دهیم. اهمیت جدی در ادراک شرایط و امکانات برای تحول در شرایط سیاسی، کسترش دمکراسی و حقوق شهروندان فراهم آوریم. برای تحقق این امر ضرورت است تا با همه نیروهای دمکراتیک - مبتدایی بر ما مشخص تحولات مترقی به توافق برسیم." بحث در درجه نخست بر سر سوسیالیست ها و دیگر جنبش ها و سازمان های دمکراتیک است. عنصر تازه در سیاست اتحاد های ح.ک.ا. - برخسورد جداگانه در توافق با کاتولیک است. "تلاش ما نه برای اتحاد آنها می آنها، بلکه ستگیری به سوی بخش ترقی خواهان است".

در گزارش دبیر کل حزب به کنگره آمده است: "تا آنجا که به ما مربوط می شود، عمیقاً خواهستار همکار ی وسیع تر با کلیسا و سازمان های کاتولیک پیرامون علائق مشترک، همگامی در روشنی منطق همبستگی و مبارزه متحدانه علیه مسائل متعدده و تلاش های وسیعی که برای از خود بیگانه نگي مردم کشور ما پیش می رود، هستیم". در رابطه با سوسیالیست ها در گزارش تا کنده می شود: "تسام سیاست های اخیر ما تا طریز همکار ی هر چه گسترده تر بقیه در صفحه ۱۰

حزب کمونیست ایتالیا، آزادی بدون هرگونه محدودیت برای بیان نقطه نظرهای مختلف در رسا نه های غیر حزبی و حزبی ضمن انجام کامل تصمیمات حزبی پذیرفته شده است. بر اساس این اصلاح تصریح شده که اعضا ضمن انجام تصمیمات از حق اعتراض نسبت به آنها و ارائه پیشنهادها نیز برخوردارند. اما اینجا دفاکسیون به معنای حق ایجاد تشکیل جداگانه در حزب، به دلیل لطمه آن به دمکراسی موردا پیش کنگره قرار نگرفت. نکته جالب بحث کنگره در باره اجازه کشیدن سیگار در جلسات حزبی بود. پس از حدود یک ساعت بحث، با اقلیت اکثریت ضعیف، کشیدن سیگار در جلسات حزبی ممنوع شد.

حزب میهمان عموما هیات های نمایندگی خود را در سطح عالی به کنگره اعزام کرده بودند. از جمله هیات شوروی به رهبری پاکولف و هیات چینی به رهبری پینگ سوگ، از اعضای هیات سیاسی رای به کنگره اعزام کردند. در کنگره از هیات های نمایندگی سازمان آزادیبخش فلسطین، از نمایندگان ساندنیست های نیگارا گونه، کنگره ملی آفریقا و حزب کمونیست نیلی، تجلیل های شایسته و شورا نگیز به عمل آمد. در کنگره پیام های نمایندگان سازمان آزادیبخش فلسطین و حزب سوسیال دموکرات آلمان، پیام رفیق گاربا جف و پیام نماینده کنگره ملی آفریقا قرائت شد و عموما موردا ستقبال قرار گرفت.

در جایشه کنگره بین هیات های نمایندگی احزاب کشورهای مختلف دیدارهای آشنا یی و تبادل نظر و همکاری وسیعاً جریان یافت. هیات نمایندگی سازمان نیز با رفیق ایتالیا و نمایندگان سایر احزاب در جهت جلب حمایت بین المللی در دفاع از زندانیان سیاسی ایران و محکومیت جنایات رژیم و تقویت مناسبات و همکاری های متقابل، دیدارهای متعدده عمل آورد.

هجدهمین کنگره حزب کمونیست ایتالیا روز ۴ فروردین در میان شوروحاسات فوقی لعا ده نمایندگان و میهمانان به کار خود پایان داد. هجدهمین کنگره کمونیست های ایتالیا بی قبل از همه قدرت حزب و روح اعتماد به نفس و اطمینان به آینده را به نمایش در آورده بود.

بخشی از پیام ک.م.م سازمان به کنگره حزب کمونیست ایتالیا

به مثا سبت بزرگزار ی هجدهمین کنگره حزب کمونیست ایتالیا، پیام تبریکی از جانب کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) خطاب به کنگره فرستاده شد. موردا ساسی در پیما را ذیلا نقل می کنیم: ... آنچه در باره حزب شما برای ما فدائیان خلق ایران همواره جالب بوده است، موفقیت بزرگ و تاریخی حزب شما در جلب اعتماد دو حامت نشوده وسیع زحمتگان ایتالیا است. حزب شما به عنوان بزرگ ترین و پرنفوذترین حزب کمونیست در تمام جهان سرمایه داری در جامعه جهانی، از جمله در کشور ما ایران از اعتبار برخوردار است. اندیشمندان بزرگ و رهبران شایسته ای چون آنتونیو گرامشی، بالیو و تولیاتی، انریکو برلینگوتتر نه فقط در مقیاس کشور شما بلکه در مقیاس جهانی به ما مر طبقه کارگر و توده زحمت، به ویژه ما مر طبقه و دمکراسی خدماتی ارزشمند ارائه شده اند. نیروی چپ و دمکراتیک در ایران البته تنها امکان شناختی دوره از حزب شما دارد. ما خطوط کلی این شناخت امروز را ملاحظه می کنیم. نیروهای ما روز به روز در مبارزه با احزابی می شناخته که اعتماد به نفس، وفاداری بی خدشه به دمکراسی، قدرت انطیاق با شرایط تازه و موفقیت در پیکار علیه دگما تیسیم و سوبزکتیویسم و یزگی برجسته رفقای عزیز!

تحولاتی که در سال های اخیر در زمینه شیوه نگرش به جهان و مسایل آن، در زمینه برداشت از سوسیالیسم و جامعه سوسیالیستی آینده، در رابطه با مناسبات احزاب کمونیستی و کارگری یکدیگر و بلاخره در رابطه با موازین زندگی حزبی در افکار و نظریات کمونیست ها در کشورهای مختلف انکشاف می یابد، با دقت و توجه بسیار را جزا نسب ما فدائیان خلق ایران دنبال می شود. در سازمان ما نیز هم اکنون همین مسائل با جدت و حساسیت بسیار مورد بحث است. ما برای این اعتقادیم که در این وضع چرخشی خاصی که دنیا را معا مریشت می گذارد، بسط مناسبات، تبادل هر چه وسیع تر سوسیالیسم، بلکه میان وسیع ترین محافصل اجتماعی نه تنها ضروری بلکه ما سا گریزنا پذیر است.

انتظار به حق مردم ایران این بوده است که در این روزهای سیاهی که بر کشور ما می گذرد شریعت شوقی خواهان دربار ما باشد. مردم ایران هرگز قبول نخواهند که دستور جنون آمیز و جناح یکتا رانه خمینی برای کشن نویسنده ای که به مقدسات مسلمانان اهانت کرده، به حق چنین موجی از واکنش و اعتراض را در غرب دامن زند، اما صدور حکم ادا مشوسط خمینی برای هزاران زندانی سیاسی و اجرای این احکام، که به سبب نه ترین شکل ممکن صورت گرفته، در اروپا چنان انعکاس می یابد که گویسی هزاران انسانی که به دلیل امتناع از طرد شدن بر صفحه تلویزیون برای انکار عقاید خود، تیرباران شدند، کمتر از سندان رندی های کمتر از دیدگاری که به دلیل بیان عقایدشان تحت پیگرد قهرار می گیرند، آنسانند و نشان ارزش دفاع دارد.

برای مردم کشور ما ایران سئوال است که چرا برای نجات یک گروهان غربی از چنگ خمینی، این همه هیاهو می شود، اما برای نجات زندانیان زندانیان سیاسی کشور، که به خاطر دفاع از صلح دمکراسی آماج کین قرار گرفته اند، دولت ها این چنین سنگین سکوت می کنند؟

ما از تمام دولت های جهان اعم از سوسیالیستی یا سرمایه داری می خواهیم که صدای اعتراض خود را علیه موج اعدا زندانیان سیاسی ایران، علیه شکنجه در ایران و علیه نقض خشن حقوق بشر در ایران بلند کنند. ما از همه احزاب سیاسی به ویژه احزاب کمونیستی و کارگری و به ویژه آنها که قدرت بیشتری دارند و باید قدرت را در دست دارند، می خواهیم و انتظار داریم برای وادار کردن ایران به رعایت حقوق بشر همه امکانات خود را به کار گیرند. رفقای گرامی!

فدائیان خلق ایران برای کنگره حزب بزرگ شما، حزب کمونیست های ایتالیا موفقیت آرزومی کنند. آرزوی ما این است که مبارزه شما تحکیم صلح و دمکراسی و بهر روز و روزه افزون را برای مردم ایتالیا به ارمغان آورد.

زنده باد دوستی مردم ایتالیا و ایران مستحکم باد پیوند دوستی میان کمونیست های ایتالیا و فدائیان خلق ایران پیروزی ما صلح و دمکراسی و سوسیالیسم



نامی بیباک شوری است در جنوب غربی آفریقا که مساحت آن نصف ایران و جمعیت آن کمتر از ۱/۵ میلیون نفر است که ۹۵ درصد آن سیاه پوست هستند. دارای ذخایر پتروشیمی گرانبهای از قبیل الماس، اورانیوم، مس، روی، منگنز و... است. از قبیل از جنگ جهانی اول مستعمره آلمان بود. در سال ۱۹۱۶ اتحادیه جنوب آفریقا (کشور کنونی آفریقای جنوبی) به اراضی آن تجاوز کرد. جامعه ملل در این سالها قیومت نامی بیباک را به آفریقای جنوبی سپرد. در سال ۱۹۴۵ بار دیگر قیومت نامی بیباک را به سازمان ملل به آفریقای جنوبی داده شد. از سال ۱۹۵۷ مقاومت مردم نامی بیباک علیه استعمارگران رژیم نژادپرستان آفریقای جنوبی شکست ناپذیر بود. سازمان به خود گرفت که در سال ۱۹۶۰ به "سازمان خلق آفریقای جنوب غربی" (سواپو) قرار روئید. سواپو در سال ۱۹۶۸ از سوی "سازمان وحدت

آفریقا" و در سال ۱۹۷۳ از سوی سازمان ملل به رسمیت و تنها نماینده قانونی خلق نامی بیباک خسته شد. سواپو در سال ۱۹۷۹ به عضویت جنبش کشورهای غیرمتعهد درآمد. در سال ۱۹۷۸ فطنتا به شماره ۴۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد، مبنی بر اعطای استقلال به نامی بیباک تصویب گذشت. لیکن این قطعنامه به علت امتناع رژیم نژادپرستان آفریقای جنوبی از اجرای آن و عدم همکاری جانبداران ناتوئی آن در سازمان ملل متحد، عقیم ماند. سلطه رژیم نژادپرستان آفریقای جنوبی که بیش از هفت دهه بر سرزمین مردم نامی بیباک را مدامداشته است هیچ شمری به جز فقر، عقب ماندگی، فقر و غارت ثروت مردم نامی بیباک نداشته است. نژادپرستان آفریقای جنوبی همچنین نامی بیباک را به بیباکی برای مداخله و تجاوز علیه کشورهای آفریقای جنوبی تبدیل کرده بودند.

### نامیبیا در راه دشوار استقلال

رسمی کشور مستقل نامی بیباک خواهد بود.

قریب ۲۰ سال اعمال سرکوب بر مردم نامی بیباک توسط رژیم نژادپرستان آفریقای جنوبی و بیش از ۲ دهه مبارزه میهن پرستان نامی بیباکی و قبل از همه سواپو (سازمان خلق آفریقای جنوب غربی) و گردان آنها با ارتش و پلیس نژادپرستان، شرایط شدیداً خصومت آمیزی را در منطقه فرا همداخته است. تلاش رهبران سواپو در آستانه اعلام استقلال نامی بیباک برای اینکه مواضع خود را در داخل کشور تحکیم کنند و امکان داشته باشد که در صورت عقیم ماندن شواقات صلح، مقاومت کنند، کاملاً قابل درک است. آفریقای جنوبی در صدد است که دست نشاندگی خود را به حکومت برساند و تسلط بر اقتصاد نامی بیباک را بر آن کشور حفظ کند و برای این کار قبل از همه تلاش می کند سواپو رهبران آن را بی اعتبار و ضعیف سازد. بدین لحاظ بود که رژیم برتوریا اقدامات احتیاطی رزمندگان نامی بیباک را در پیروی از شعارها و شعارهای شال کشورها به نظر آرد و یک درگیری خونین تا زاری را بر سواپو تحمیل کرد. با برگزاری کنفرانس با شرکت نمایندگان

ارشد کشورهای آفریقای جنوبی، آنگولا، کوبا، اتحاد شوروی و آمریکا، موافقت نامه آتش بس امضا گردید که طبق آن گروههای مسلح سواپو تحت نظارت سازمان ملل متحد تا ۱۵ روز نامی بیباک را ترک و در آنگولا مستقر خواهند شد تا از امکان بروز درگیری دوباره جلوگیری شود.

سیاست آفریقای جنوبی علیه مردم میهن پرستان و اشغال آفریقای جنوبی مناطق تحت قیمومت سازمان ملل متحد طی دهها سال، به یکوت سیاسی رژیم نژادپرستان درجهان منجر گردیده بود. آفریقای جنوبی تحت فشار شرایط عینی، از جمله تغییرات جدی در اوضاع بین المللی مجبور شد که نمایندگان کوبا و آنگولا پشت یک میز بنشینند و به نامی بیباک برای استقلال نامی بیباک را پیشنهاد کنند. تلاش ها و اساس مسئولیت ها برای حل مسئله نامی بیباک تا همین استقلال آن کشور و در راه بیان دادن جنگ داخلی در آنگولا و خروج نیروهای دیگر از این مناطق یکی از مظاهر نوا بدینست سیاسی و گرایش به محوگان های تشنج درجهان است. همه نیروهای صلح دوست چه نامی بیباک و چه مسئولیت ها و روندی که چشم انداز آرایش در این منطقه را می کشاید، جانبداری می کنند.

دولت اشتراکی وابسته به آن و سپس شنا سایی کامل آن محسوب می شده است. در اجرای چنین نقشه ها و ادعای است که راه حل سیاسی از سوی گروههای تندرو اشتراکی به کلی مردود شده و فقط بر طبل جنگ و خون ریزی گوییده می شود.

دخالت دولت های پاکستان، عربستان و آمریکا در امور داخلی افغانستان که تا چندین سال پیش به بیباک نه وجود سربازان شوروی صورت می گرفت، اینک پس از خروج نیروهای شوروی هر چه پیشتر عریان و آشکار شده است. دخالت پاکستان در جنگ جلال آباد، وضع رادرمزهای پاکستان و افغانستان متشنج کرده است. بیش از ۶۵۰۰ سرباز پاکستانی همرا با ۶۵ تانک در طول مرزهای افغانستان برای کمک به بیباک های مسلح برای اشغال جلال آباد دستگیر شده اند. این امر خطر جدی در شعله ور شدن دامنه تشنج در منطقه بوجود خواهد آورد. جنگ طلبی کورووشیا نه ای که گروههای اشتراکی پیشا و ردنیال می کنند هرگونه راه حل سیاسی را مسدود کرده است. ردیپشنها آتش بس دکتور نجیب الله، رئیس جمهور افغانستان به مناسبت فرارسیدن ماه رمضان نمونه بارز جنگ طلبی گروههای اشتراکی پیشا و رانست. شورای امنیت سازمان ملل متحد با پذیرش درخواست دولت افغانستان در استقرار یک نیروی حافظ صلح در مرزهای دو کشور می تواند گام مهمی در تخفیف تشنج بردارد. بیباک به متوقف کردن این فاجعه و جلوگیری از دامنه تشنج در منطقه، همه دولت های صلح دوست و حافظ بین المللی، مخصوصاً سازمان ملل متحد مسئولیت سنگینی بردوش دارند.

مالزی و ایران نیز با مشارکت سازمان ملل برای قطع جنگ تحمیل شده به افغانستان، مخالفت ورزیدند و آنرا کمک به جمهوری افغانستان خواندند. دولت آمریکا در این بخش موافقت نامه صلح ژنوگا دیگری به جلوس برداشت. معاون سفیر آمریکا در چین به عنوان ما مورویزه راه به صلح گروههای اشتراکی هفت گانه که اکنون به اصطلاح دولت در تبعید در پکن و ژنوا تشکیل داده اند، سرگما رده شد. این اقدام آمریکا حرکتی است مصلحت خیز نه با مضمون شناسایی "اوقا کتو" این گروهها به مثابه "نمایندة مردم افغانستان". مقامات آمریکایی به منظور برگردن خلاء ناشی از خروج نیروهای شوروی به تلاش خود افزودند. هدف آمریکا استقرار رژیم ارتجاعی و وابسته به غرب در افغانستان است.

جمهوری افغانستان در اجرای سیاست آشتی ملی به تلاش برای تفاهم شواقی بین گروههای مخالف ادامه می دهد. اما در عین حال قاطعانه در برابر برتری نظامی و نقشه های جنگ طلبانه گروههای ارتجاعی و مخالف ایستاده است. جنگ جلال آباد تا کنون می میا جملین صلح، پیش بینی های یک جانبه محافل خلیه جوی غربی و دولت پاکستان و ایران و غیره در مورد حکومت افغانستان را نقض برآورد کرده است. برپا بیایی بین بیینی بود که گروههای اشتراکی در پیست و مدعی شدند که بلافاصله پس از خروج نیروهای شوروی، جمهوری افغانستان نیز سقوط خواهد کرد. برای تحقق چنین ادعای تسخیر جلال آباد در نظر گرفتند. اشغال جلال آباد نقشه های پاکستان و آمریکا به عنوان نقشه شکنجی برای استقرار

اول آوریل ۱۹۸۹ (دهم فروردین ۶۸) به عنوان روز بزرگی در تاریخ آفریقا ثبت خواهد شد. در این روز جریان زردودن آخرین لکه زشت استعمار از چهره آفریقا آغاز گردیده است.

طبق توافق که در دسامبر سال گذشته بین کشورهای آنگولا، آفریقای جنوبی و کوبا در راه با زگرداندن آرایش به منطقه جنوب غربی آفریقا به عمل آمد، مقرر شد که از اول آوریل سال جاری قطعنامه شماره ۴۳۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد را بطور کامل اجرا کنند. طبق این موافقت نامه کوبا پذیرفت که نیروهای نظامی خود را به تدریج از خاک آنگولا نواخواند و آفریقای جنوبی نیز از اجابت خود به خاک آنگولا دست بردارد و نیروهای نظامی خود را از خاک نامی بیباک خارج سازد. کوبا کمی بعد از امضای موافقت نامه قبل از موعد مقرر اقدام به خروج نیروهای خود از آنگولا کرد. اکنون نامی بیباک آماده می شود که طی سه مرحله به استقلال دست یابد. این سه مرحله شامل خروج نیروهای نظامی آفریقای جنوبی از آن کشور و استقرار اوضاعی نظامی سازمان ملل برای مقابله با حوادث احتمالی، انجام انتخابات برای تشکیل مجلس موسسان و تدوین اولین قانون اساسی نامی بیباک و بالاخره مرحله پایانی آن در ژانویه ۱۹۹۰ زمان اعلام

### شکست توپنه اشغال جلال آباد

اکنون بیش از پنج هفته است که جنگ خونین جلال آباد ادامه دارد. دخالت رژیم پاکستان در این جنگ با دستگیری و اعتراض فدوین از شکستجاسوسی پاکستان در جریان جنگ جلال آباد افشا شده است. این جنگ که از سوی گروههای جاسوسی پاکستان و سازمان سیا تدارک دیده و مورد حمایت مقامات نظامی پاکستان است، استمرار دارد، موفقیتی برای مخالفین مسلح حکومت افغانستان به بار نیاورد. برخی از فرماندهان گروههای مسلح به اشتباه خود در حمله به جلال آباد در پیسی برده اند. در پیشاور، یکی از سران دسته های مسلح به نام عبدالحق اعلام کرده و برای انجام حملات اخیر به جلال آباد از جانب پاکستان، دولت آمریکا و سید احمد رضا رفرار گرفته است.

دولت آمریکا با تاکید بر عدم وجود راه حل سیاسی مسئله افغانستان اعلام داشت که مخالف دولت شوروی امنیت سازمان ملل در اوضاع افغانستان است. پاکستان، عربستان سعودی،

است. او برای نخستین بار با رانیروهای مسلح شوروی را در سخنان خود مطرح کرد. و تغییراتی را که در جهت کاهش ایما دگوناگون آن پیش بینی شده است بر شمرده.

او همچنین گفت که دولت شوروی تصمیم به قطع تولید اورانیوم غنی شده برای هدف های نظامی گرفته است و طی سال جاری و آینده نیز دواکتور صنعتی تولیدکننده پلوتونیوم نظامی را تعطیل خواهد کرد. اما تا کیدگر که طرز برخورد نظامی با مسئله سلاح های هسته ای نیز مسلمان در چگونگی روش مادر را به این نوع سلاح ها تأثیر خواهد گذاشت. ما رگارت تاجر هنگام بدرقه رهبر شوروی، این دیدار را چنین ارزیابی کرد: "فتنگو و دیدارهای ما در فضای فوق العاده دوستانه گرم جریان یافت، در فضای مملو از تفاهت متقابل. این گفتگوها و دیدارها هنگامی صورت گرفت که درجهان تفاهت و همکاری بین المللی نوینی پدید آمده است، و ما فکری کنیم که این ملاقات بس روندا را زهم پیش خواهد راند".

سال گذشته بوده است. بدینجی است که روابط دو کشور، هما گونه که میخائیل گابریلف و تاجر خا طرنشور، کردند، حاوی اختلاف نظرها و اختلاف منافع جدی نیست. اما این اختلاف منافع نامی برای گسترش مناسبات دو جانبه و نیز رابطه شرق و غرب نیست. مهمترین عرصه اختلاف موضوع برجسییدن سلاح های اتمی است. ما رگارت تاجر، براساس مریزیز کردن سلاح های هسته ای تا کیدیکی از سوی نا توهمنجان پای می نشرد. در حالی که رهبر شوروی تا کیدیکی کند که:

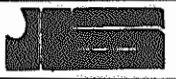
"ما مخالف جدی سلاح هسته ای هستیم و مصممانه برای نابودی کامل آن تلاش می کنیم. خانم تاجر در این تکریم ما را نیز میزوم زگرگی را می بیند. ما نمی توانیم با موافقت با شیم، موضع نامعکس کننده واقعیت های سخت زمانه است." گابریلف در سخن دیگری از سخنانش در مورد مسائل نظامی اظهار داشت که طی سال های گذشته امکان نامی واقعی برای بستن آخرین برگ تاریخ پس از جنگ، و گذار به دوره نوینی صلح پدید آمده

### دیدار سران شوروی و بریتانیایی

جندی بیش میخائیل گابریلف و تاجر رگسارت تاجر، رهبران اتحاد شوروی و انگلستان در لندن دیدار کردند.

این دیدار رگامتا زهای در راه بسط و تحکیم تفاهت و همکاری بین دو کشور، استقرار مناسبات نوینی بین المللی در مقیاس اروپا و جهان بود. در این دیدار تا کیدیکی دو کشور و بریتانیا هم امکان نامی واقعی و هم تمایل برای گسترش بازرگانی، مبادلات علمی، فنی، روابط بس فرهنگی و همکاری در حل مهم ترین مسائل بین المللی که آینده بشریت وابسته به آن است را دارند.

گسترش مناسبات سازنده میان دو کشور شوروی و انگلستان و نیز میان شرق و غرب پیش از همه معمول ابتکار اتحاد شوروی طی چهار



### به یاد رفیق فدایی شهید کیانی

علی رضا کیانی ، مهندس در رشته پتروشیمی بود. او در زندان شاه ، پس از گذارن رفیرما نشه از معسر سخت شکنجه ساواک ، با سا زمان خود ، ز نزدیک آشنا شد. در سال های پس از انقلاب ، علی رضا در پالایشگاه تهران از زفتگزارن میا رزی بود که هم خود را در راستای سیاست سا زمانش ، به کسار در میان کارگران و کارکنان معطوف کرده بود و به دنبال همین فعالیت وقفه نا پذیر وحدی بود که در سال ۱۳۴۵ توسط جانیان اسلام پناه ها کم بر ایران بازداشت شده و زیر شکنجه رفت . ما هها در بند معروف ۳۰۰۰ (با زدا شنگا ه کمیته مشترک دوره شاه) تحت شرایط فوق وحیانه به سر بردن نوبست انتقالش به اوین رسید .

رفا روزهای حسنی را با ممانت ، اعتماد او تسلط بر خویش ، سرزندگی و ایمان و اطمینان به آینده می گذرانند ، با دیگران جدی ، خوش برخورد ، با گذشت و آکنده از صمیمیتی اطمینان بخش بود . او در زندان اهمیت انطباق سریع با شرایط و ایجاد محیط زیست دور و روبه بیش را به خوبی می دانست و به کار می بست . او هر روز ۲۰ دقیقه هوا خوری اوین را همرا ه رفیق رضی و چند تن دیگر می دویدند و ترمش می کردند . گاری که برای زمان کوتا ه ۲۰ دقیقه هوا خوری مشترکی حوصله اش را داشت . اما آنها این سخت خوب زندان با ن سلیه اش را مثل بسک و ظیفه پاشی می داشتند .

اندکی از یک ما گذشته بود که دو بار ره ما را نبال مکان دادند و علی رضا را دیگر ندیدیم ، تا ...

آمد ؟ بچه های بی به دست آمد . چند روز از عید ۶۱ گذشته در اطاق ۵ طبقه بالای بنسده دو اوین که با زشد ، همرا ه چند تن دیگر با به درون گذاشت . گروه تازه انتقالی از کمیته ... بود . تازه وارد ها میان سکوت و در برابر کنجکاو ی پنهان نگاه همه ساکنان به حاشا های نزدیک تریسه در اطاقی رفتند ، نشسته ، نگهبان که رفت ؛ سفته ها م نگاهها به تدریج به کلام بدل شد و گفتگو های احتیاط آمیز و در حد معقول شروع شد .

او در گوشه ای کنا ردیو اردمیان دوسه تن از تازه وارد ها نشسته بود . به حکم تحریه ، انگار او را نمی شناختم . با دیدن زمان مهلت گذرمی دادم تا فاطمه ناگزیر با او مکالمه و تا آن وقت سخن با بدر امتداد خوش و بیر معنای تلاقی گذرا و به ظاهر اتفاقی نگاه جاری می شد . با لحنی آرام به سوال های کا گها می پاسخ می داد . موه های جوگنه میبیل به سفیدی یافته بود .

"رفا ، سا لها چه زود می گذرنسده ؟"

ببخندم ملایم گونه ها یش را بر سجکی اندکی داد و نگاهش را منی کوتا به خیره ماند . ولابد که زسال هها و تجربه ها و تلاقی های هدمندش یا دمی آورد . سالیهای کودکی ، نوجوانی ، سال های که چشمش بر تلخی زندگی مردم زحمتکش میبیل گشوده می شده و میل به آمیختن با آنان ، احساسات او را رنگی مردمی می بخشد و سیمایی دوست داشتنی بسره او می داد . سال های عشق پر شور به زهره ، همسر آینه داشت . سال های تحصیل دردناک و بهیچدر انگلستان ، سال های جدال با رژیم شاه ، دستگیری زندان ، شکنجه بی نظیر ساواک ، آزادی در روزهای پر شوک و قیام توده ها ، مبارزه در صفوف سازمان و بازداشت ، بازداشت کا ه و شکنجه ، و این با توسط حکما جهل و وحیانت ...

با کثیر سال ۶۲ بود . سربالایی خیابانی د تهران را سواره می رفتم که نگاهم بر چهره صمیمی اش افتاد . منتظر تا کسی بود . دیدار غیر منتظره ه دو مان را خوشحال کرده بود . از زهره پرسیدم . به لحنی طبیعی و آرام گفت که هنوز زندان است . اندویش را احساس کردم ، اما من از لحنش که سخت از برروزان امیدوارم کرد . قلمبم نرفه شد . می دانست چه اندازه برایش دردناک است و چه احساس رنج او . وصف نا پذیری می توانند داشته باشد . می دانستم که لحظه ای اندیشه او فارغ از آن عزیزترین کسب نیست و این واقعیت که زهره در زندان و او در بیرون است ، همیشه کا مش را تلخ می دارد .

اما رضا انقلابی بردیا زوا ستواری بود ! ه چقدر هم حوادث تلخ می بود اما برای رضا که مسیه و شیوه زندگی اش را در بزمانی پیش از این خود انتخاب کرده بود ، قابل تحمل و طبیعی بود و با ره رنجی را بردوش می توانست کشید . با ری دیدار مان کوتا گذشت . رفا رفت . رفت !

تا سال ۶۴ که خبر آمد :

"رفا را گرفتند ..."

لرزشی خفیف بر تن گذشت . نفسم در سینه ما ندو دل به ناگهان گفت :

"رفا ، سخرت به خیر ... !"

اما رفا سقری خطر نگذرانند .

رفا که در برابر پلیس سرشتان حاکم استوار ایستاده بود با خیال رفقای همسنگر و دیگران را از راه آزادی ایران ، سرب مذا با را در صحنی سرد بر سینه چون آتش خود یافت .

رفا آن جا ست . پشت آن پنجره اطاق طبقه دوم بند جدید اوین و آنجا با لبخندنا محسوس ، نگاه رخسارش را با آفتاب آن سوی قاب پنجره آمیخته است !



### به یاد رفیق شهید سهیلا درویش

به سا زمان ، با تمام توان و امکا نش وظایفی را که از سوی سازمانش بر دوش اوینجا ده می شد انجام داد . سهیلا در مرداد ۶۵ به سا رت جلدان جمهوری اسلامی درآمد و پس از تحمل شکنجه و ممانت قهرمانانه به دوسال زندان محکوم شد . در سا رتگاه روحیه ای عالی داشت و همزنجیران و خا نواده اش را به امید و علو روح فرامی خواند . او یکی از سا زمان ندهندگان و اعتصاب غذا را اعتراض به شرایط بد زندان بود .

هر چند در مرداد ۶۷ دوره محکومیت رفیق سهیلا درویش کهن با بیان یافت و لسی او را آزاد کرد .

رفیق سرور (سهیلا) درویش کهن در سال ۱۳۴۵ در خا نواده ای کا رگری در محله نظام آباد تهران به دنیا آمد . پدرش کا رگری آگاه بود و سهیلا نخستین درسیها ی زندگی و عشق به آزادی و عدالت و نفرت از ستم و بیاد را از او آموخت . او هنوز توجیه توان داشت آموزی بود که با عطفه و عورش با سا زمان فدائیان آمیخته شد و آنگاه که توفان های انقلابی سال ۵۷ برخاست ، همچون میلیون ها همسالان خویش با شور و شوقی توفنده در انقلاب رزمید . دو دبیرستانی که در آن درس می خواند ، دانش آموزان پیشکا را سا زمان داد . او یکی از فعال ترین پیشکا مان دبیرستان ۱۷ شهریور تهران بود .

رفیق سهیلا درویش کهن - آنگاه که دوره دبیرستان با بیان یافت - در تلاش معیاش ، در کارخانه هوست تهران مشغول به کار شد .

رفیق سهیلا در سال های پس از ضربه رژیم

نکردند . با زوجینی ها دیگر با آغا زنده بود . رژیم جلدان در تدارک قتل عام زندانیان سیاسی بود . نخستین در برابر دروین تلویزیون و ندا ست را شرط آزادی اش نهادند ، پذیرفت . پیشنها دتوسه و تقبیح اندیشه و سا زمانش را نیز رد کرد . آخرین بار از او خواستند تعهد کنند که دیگر در امور سیاسی جدا خله نکنند . بر این نیز گردن نهادند .

در همان تابستان ۶۷ ، ملاقات نوبستی رفیق قطع شد . پس از پنج ماه اضطراب خا نواده اش ساکی از با زمانده و میا یل سهیلا را به دست مبادش دادند .

رفیق سرور (سهیلا) درویش کهن ، پیتگام پرشور دبیرستان ۱۷ شهریور ، کا رگری پرشور کارخانه هوست تهران ، رفیق روزهای سخت ما تیرباران شد . آنگاه که جان باخت ، ۲۷ سال داشت .

یادش جاودان و راهش پر رهرو باد .

### به پیش ! و از یاد نبریم همبستگی را

- متحد شوید ، زحمتکشان جهان
- به خاطر نبرد در راه آزادی ما
- جهانی که روزی دهنده همه ما ست
- با یاران ما همه باشد بی شک .
- به پیش ! و از یاد نبریم که
- در چیست قدرت ما .
- در گسستگی و هتنگام سیری
- به پیش !
- و از یاد نبریم همبستگی را .
- \*\*\*
- اربابان ما با خشنودی
- نظاره گر پراکنده می آیند .
- آنها اربابان ما خواهند بود
- تا وقتی که پراکنده ما با ست .
- به پیش ! و از یاد نبریم که
- در چیست قدرت ما .
- به پیش !
- و از یاد نبریم همبستگی را .

### انجمن اسلامی منحل باید گردد .

ماده ۲۷ "قانون کار اسلامی" همانند ماده ۳۳ قانون کار رژیم شاه ، دست کار قمرسا را برای اخراج کارگر کا ملابا ز گذاشته است . برای لغو این ماده و با بیان دادن به اخراج های خودسرا نه متشکل شوید و مبارزه کنید .

ماده ۳۱ "قانون کار اسلامی" همانند ماده ۳۳ قانون کار رژیم شاه ، دست کار قمرسا را برای اخراج کارگر کا ملابا ز گذاشته است . برای لغو این ماده و با بیان دادن به اخراج های خودسرا نه متشکل شوید و مبارزه کنید .

ماده ۳۱ "قانون کار اسلامی" همانند ماده ۳۳ قانون کار رژیم شاه ، دست کار قمرسا را برای اخراج کارگر کا ملابا ز گذاشته است . برای لغو این ماده و با بیان دادن به اخراج های خودسرا نه متشکل شوید و مبارزه کنید .

ماده ۳۱ "قانون کار اسلامی" همانند ماده ۳۳ قانون کار رژیم شاه ، دست کار قمرسا را برای اخراج کارگر کا ملابا ز گذاشته است . برای لغو این ماده و با بیان دادن به اخراج های خودسرا نه متشکل شوید و مبارزه کنید .

### شعارها و فراخوانهای روز کارگر

- کارگران مبارز ! پرچم مبارزه در راه حقوق دمکراتیک و آزادی های سیاسی را به دست گیرید . علیه ترور و اختناق ، علیه شکنجه و اعدام اعتراض کنید . برای نجات جان زندانیان سیاسی کشور و برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه کنید .
- برای پایان دادن به شرایط "نه جنگ نه صلح" و برقراری صلح باید مبارزه کنید .
- برای تامین آزادی های سندیکا بیسی ، برای برخورداری از حق تشکیل ، حق انتخاب آزادانه نمایندگان واقعی خود ، حق برخورداری از تجمع ، اعتصاب ، انتشار نشریات کا رگری و دیگر آزادی های سندیکایی مبارزه کنید .
- در "قانون کار اسلامی" مبوب مجلس ، اساسی ترین حقوق کارگران از جمله حق امنیت شغلی ، حق برخورداری از شکل صنفی مستقل و حق اعتصاب کارگران با یما ل شده است . قانون کار با بدبا مشا رکت نمایندگان واقعی کارگران تدوین شود . قانون کار باید مدافع حقوق کارگران باشد .
- "قانون شورا های اسلامی کار" ناقض حق کارگران در ایجاد متشکل صنفی مستقل است برای لغو این "قانون" و ایجاد شکل های صنفی واقعی خود مبارزه کنید .
- کارگران پیشرو و آگاه ! برای اختناق موجود ، هسته های مخفی کارگری را ایجاد کنید ، از همه مکانات علنی برای گسترش این مبارزه ستفا ده کنید .

بخشی از "سرود همبستگی" (برشولت برشت)

## پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی !